

تاریخ خرمشهر
دو قرن مقاومت

(۱۹۸۲-۱۸۱۲م)

یاسر خلفی

فهرست

- ۱..... مقدمه
- ۴..... فصل اول: یورش عثمانی به خرمشهر
- ۵..... پیشینه خرمشهر
- ۶..... اولین نبرد در تاریخ خرمشهر
- ۹..... حمله علیرضا پاشا به خرمشهر

فصل دوم:

فصل سوم: این فصول چون جزو مسابقه نبوده حذف گردیده است.

فصل چهارم:

- ۹۵..... فصل پنجم: خرمشهر در جنگ تحمیلی
- ۹۶..... زمینه ها و دلایل آغاز جنگ از سوی رژیم عراق
- ۱۰۵..... استعداد نیروهای مسلح عراق قبل از تجاوز به ایران
- ۱۱۲..... حمله سراسری عراق
- ۱۱۹..... حماسه ۳۴ روز مقاومت

روزشمار مقاومت خونین شهر	۱۲۹
عملیات بیت المقدس (فتح خرمشهر)	۱۳۸
شرح عملیات	۱۴۳
مرحله اول	۱۴۳
مرحله دوم	۱۴۴
مرحله سوم	۱۴۵
مرحله چهارم عملیات از ۱ تا ۴ خرداد	۱۴۵
میزان انهدام یگانهای دشمن	۱۴۸
پیام حضرت امام خمینی قدس سره ال شریف به مناسبت عملیات	
بیت المقدس و فتح خرمشهر	۱۵۹
آزادسازی خرمشهر از زبان مسئول اطلاعات ارتش عراق	۱۶۲
منابع و مأخذ	۱۶۹

بی تردید یکی از بارزترین صفات ایرانیان در طول تاریخ که آنان را از سایر ملل متمایز می‌سازد، دلیری و مقاومت در برابر بیگانگان و تسلیم ناپذیری آنان در مقابل متجاوزان به سرزمین خویش است بطوری که کتابهای تاریخی مملو از سرگذشت پهلوانانی است که یک تنه در برابر دشمن خونخوار و متجاوز ایستادگی کرده و آنان را به شکست وادار نموده است. آریوبرزن پس از شکست سپاه داریوش سوم هخامنشی از اسکندر بارها در مقابل نیروهای این سردار مشهور مقاومت کرده و آنها را شکست داده است. جلال الدین خوارزمشاهی هنگامی که پدرش قطب الدین محمد به جای رویارویی با نیروهای مغول از مقابل آنان گریخت و سرنوشت مردم ایران را به دست این قوم خونخوار سپرد، یک تنه در برابر خیل عظیم مغولان قرار گرفت و در چندین جنگ توانست آنان را شکست دهد.

خرمشهر از جمله شهرهایی است که نام آن در نزد ایرانیان به استقامت و پایمردی شهره است. شهری که علی‌رغم تاریخ و پیشینه نه چندان بلند، نامی بلند آوازه در مواجهه با دشمنان و اشغال‌گران داشته است و تاریخ این شهر مملو از رشادتهای مردانی است که در طی زمان صفحات افتخارآمیزی را از خود به یادگار نهادند از سرتیپ آقا جانی خان و حاج جابر خان در جنگ ایران و انگلیس گرفته تا شهیدان جنگ جهانی دوم چون شهید غلامعلی بایندر، هریسچی، میلانیان... و بالاخره شهیدان حماسه مقاومت ۳۴ روزه و حماسه سوم خرداد، شهیدان محمدعلی جهان‌آرا، شهید عبدالرضا موسوی، شهید آلبوغیبش، شهید حسینی، شهید تحریری، و....

کتاب حاضر روایت دو قرن مقاومت و ایستادگی مردمان این خطه از خاک جمهوری اسلامی ایران است، که به دور از هرگونه تعصب قومی و نژادی، و دخیل دادن نظرات و آراء شخصی می‌کوشد سیر حوادث را براساس منابع مستند و معتبر تاریخی، صرفاً روائی و نه تحلیلی آن‌گونه که روی داده است، بازگو کند تا نسل امروز و نسل‌های آینده بدانند که میراث‌دار خون‌بهای شهیدانی هستند که از قرن نوزدهم تا پایان قرن بیستم میلادی برای اعتلا و سربلندی میهن‌شان مرگ با عزت را بر زندگی ذلیلانه و زبونانه ترجیح دادند و نام خود را در تاریخ خرمشهر و ایران جاودانه ساختند.

این کتاب در پنج فصل نگاشته شده است. فصل اول هجوم همسایه غربی یعنی دولت عثمانی در اوائل قرن نوزدهم به خرمشهر را مورد بررسی قرار می‌دهد

فصل دوم تجاوز انگلیس به خرمشهر و اشغال این شهر در سال ۱۸۵۷ میلادی را بررسی می‌کند

در فصل سوم کتاب ابتدا نگاهی به علل و چرائی آغاز جنگ‌های جهانی در سالهای ۱۹۱۴ و ۱۹۴۰ میلادی انداخته و سپس وضعیت خرمشهر و خوزستان را در جنگ‌های جهانی اول و دوم مرور می‌کنیم.

فصل چهارم کتاب، به مسئله بحران قومی و جریانهای تجزیه‌طلبی در خرمشهر از زمان براندازی حکومت شیخ خزعل تا پیروزی انقلاب اسلامی، جریان خلق عرب، پیامدها و اثرات این جریانها در ترغیب و تشویق رژیم بعث عراق جهت حمله به ایران و آغاز جنگ تحمیلی می‌پردازد.

در فصل پایانی، یورش ددمنشانه و مغول گونه ارتش صدام به جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ۵۹، مقاومت ۳۴ روزه جوانان غیور خرمشهر در برابر دشمن متجاوز، عملیات غرور آفرین بیت المقدس و آزاد سازی خرمشهر در سوم خرداد و در نهایت پیام امام خمینی (ره) به مناسبت این روز و این رویداد بزرگ، را مرور می کنیم

یورش عثمانی به خرمشهر

پیشینه خرمشهر

براساس نوشته‌های اکثر منابع تاریخی خرمشهر در سال ۱۸۱۲ میلادی توسط حاج یوسف آلبوکاسب (عموی شیخ خزعل) بنا گردید.

در آن دوره، قرن سیزدهم هجری، تیره‌ای از طایفه بنی‌کعب به نام آلبوکاسب که شیخ مرداو بن علی بن کاسب بزرگ آن بوده، در محمره (خرمشهر) زندگی می‌کرده‌اند. پس از فوت شیخ مرداو، فرزند او حاج یوسف جانشین وی می‌گردد. با توجه به آنکه در آن زمان شهر محمره (خرمشهر) بخشی از قلمرو شیخ ثامر بنی‌کعب، شیخ‌المشایخ فلاحیه (شادگان امروزی) محسوب می‌گردیده، شیخ آلبوکاسب نیز تحت حکمرانی او بوده است.

حاج یوسف بنا به دستور شیخ‌المشایخ، شیخ غیث بن غضبان، بندرگاه کوت المحمره را احداث می‌نماید. این اقدام مدبرانه نقطه عطفی در تاریخ شهر خرمشهر محسوب گردیده و آغازی می‌گردد بر شکوفایی و رونق اقتصادی این بندر که در پی خود آبادی و آبادانی این شهر را به همراه می‌آورد. ساکنان عرب این ناحیه که اکثراً از اعضاء خاندان بنی-کعب از دودمان آلبوکاسب که نسب آنها به مرداو بن علی بن کاسب می‌رسید. بودند، به مرور زمان و به ویژه در فاصله اواخر حکومت آغا محمدخان تا اوایل دوران حکومت محمدشاه قاجار ده کوچک و سرسبز محمره را که از نعمت آب فراوان دو رودخانه آب شیرین اروندرود و کارون برخوردار بود و بندرگاه آن جانی گرفته و از رونقی قابل توجه

برخوردار بوده را توسعه داده تا جائی که این بندر در اواخر دوره قاجاریه رقیب عمده‌ای برای بندر مهم بصره در عراق محسوب می‌گردیده است^۱

اولین نبرد در تاریخ خرمشهر

به فاصله کمتر از دو دهه از بنای خرمشهر، حاکم ترک بصره به کمک خاندان آل صباح این شهر را مورد تجاوز قرار داده و به نوشته حسین خلف خزعل نویسنده کوییتی تا منطقه دره (خیابان مبارز کنونی) پیشروی کردند اما مردم این شهر مقاومت کردند که عمده‌تاً از قبیله محسن بودند به کمک عشایر بنی کعب فلاحیه (شادگان) توانستند آنان را از خرمشهر بیرون رانده و شکست سختی را به نیروهای متجاوز وارد نمایند.

نبرد شیخ غیث با والی بصره و شیخ کویت در خرمشهر

در سال ۱۸۲۴م عهدنامه‌ای بین شیخ غیث و شیخ حمود بن ثامر شیخ منتفک^۲ بصره منعقد و به موجب آن در مواقع جنگ منتفک و بنی کعب در کنار یکدیگر قرار گرفته و بر ضد دشمن مشترک وارد جنگ می‌شوند.

داود پاشا والی جدید بغداد که از شیخ حمود الثامر دل خوشی نداشت از اختلاف بین او و برادرزاده اش عقیل بن محمد استفاده کرده ضمن پناه دادن به نامبرده در سال ۱۸۲۶ نیروی بزرگی را مجهز و به همراه عقیل بن محمد روانه جنگ با شیخ حمود کرد.

^۱ دو هزار سال تاریخ خرمشهر، از خاراکیس تا برآمدن آلبوچاسب، یاسر خلفی، ص ۲۵-۲۶

^۲ - امارتی متشکل از چندین عشیره از سال ۱۵۳۰م تا اوایل قرن بیستم، حکومت قسمت‌های زیادی از جنوب و مرکز عراق را در اختیار داشت

حمود پس از آگاهی از حرکت سپاه پاشای بغداد پیامی به متحد خویش شیخ غیث فرستاد و او را از ماجرای یورش قوای پاشا آگاه نمود و از او درخواست اعزام نیروی کمکی کرد و شیخ غیث نیروئی به فرماندهی دو برادرش مبارز و ثامر مجهز و به سوی بصره گسیل داد.

پس از رسیدن بنی کعب، حمود بصره را از چند جبهه در محاصره گرفت و نیروها را بدین صورت تقسیم کرد بنی کعب و فیصل فرزند حمود جنوب بصره را به محاصره درآوردند و ماجد فرزند دیگر حمود در بخش دیگری از اطراف بصره که به رودخانه معقل معروف بود مستقر گردید و شیخ غیث هم نامه ای به سلطان مسقط فرستاد و از وی کشتی جنگی و نیروی جنگی درخواست کرد.

عزیز آغا فرمانروای بصره که توان روبه رو شدن با قوای بنی کعب و منتفک را نداشت، از شیخ جابر بن صباح شیخ کویت درخواست اعزام نیروی دریائی کرد و امیر کویت با قوای زیر فرمانش در آبهای نزدیک بصره آماده جنگ گردید. از طرفی عزیز آقا هدایائی برای فرمانده قوای دریائی مسقط فرستاد و او را به بی طرفی در جنگ تشویق نمود و با درخواست از سادات و علمای دین، آنان را نزد مبارز و ثامر کعبی فرستاد و از آنان خواست تا آتش بس بین قوای متخاصم به وجود آید و این وساطت پذیرفته شده و برادران شیخ غیث به سوی محمره عقب نشینی کرده و در محرزی مستقر شدند. در پی بازگشت بنی کعب، فیصل و ماجد پسران شیخ منتفک با نیروهای خویش به سوی محمره آمدند و در محلی به نام درّه مستقر شده و بدین سان محاصره بصره پایان یافت.

پس از چندی شیخ عقیل و عزیز آغا به دلیل اینکه شیخ غیث پسران شیخ حمود را پناه داده تصمیم گرفتند که به محمره حمله کنند. پس

نیروی بزرگی را از قبائل عقیل، ربیعہ و اہالی جزائر کہ جمعاً بالغ بر دوهزار سوارہ و بیست ہزار نفر پیادہ گرد آورده و بہ سوی محمرہ حرکت کردہ و در کنار منطقہ دربند موضع گرفتند. سپس لشکر خویش را در سہ محور تقسیم کردہ، محور شمالی بہ فرماندہی شیخ عقیل، محور جنوبی بہ رہبری علی الزہیر و محور سوم در اختیار عزیز آغا قرار گرفت.

در اکتبر ۱۸۲۶ برابر با رمضان ۱۲۴۲ قمری جنگی سخت و خونین بین طرفین روی داد کہ با دادن تلفات جانی و مالی فراوان قوای مهاجم شکست سختی خورد و ناگزیر از عقب نشینی بہ ابوجذیع گردیدند.

پس از این شکست خفت بار شیخ عقیل و عزیز آغا لشکر شکست خورده خود را جمع کرده و با تجهیز نیروهای تازه نفس از بغداد، ماردین، دیاربکر و عشائری کہ تحت نفوذشان بودند، خود را برای حملہ مجدد بہ محمرہ آمادہ کردند و در نہر ابوجذیع مستقر شدند.

در ہمین احوال عزیز آقا نامہ‌ای بہ شیخ جابر بن صباح نامہ نوشت و از وی درخواست کمک کرد و شیخ کمک بہ ہمراہ نیروی دریائی خود حرکت کردہ و در ہارثہ مقابل بریم آمادہ رویارویی شدند.

بنی کعب کہ آمادہ نبرد بودند. در ۲۴ صفر ۱۲۴۳ ہـ ۱۴۲۷ م با نیروهای مهاجم وارد کارزار شدند کہ در این جنگ بار دیگر نیروهای شیخ عقیل و عزیز آغا شکست خورده و با دادن تلفات زیاد از قبیل یکصد و پنجاه

اسیر و ۴۰۰ قایق انباشته از برنج و جو و روغن و مقداری اسلحه متواری شده و به سوی ابو جذیع عقب نشینی کردند.^۳

حملة علی رضا پاشا به خرمشهر

اشغال خرمشهر در سال ۱۲۵۳هـ/ ۱۸۳۷م بدست پاشای بغداد مهمترین رویداد و حادثه‌ای است که تا آن زمان در این شهر نوبیاد رخ داده بود. درباره اسباب و علل این یورش منابع تاریخی عوامل مختلفی را ذکر کرده‌اند. نزدیک‌ترین منبع به آن دوران که به این واقعه اشاره کرده است، رساله سرحدیه (تحقیقات سرحدیه) نوشته میرزا جعفرخان مشیرالدوله است که به عنوان نماینده ایران در کمیسیون تعیین حدود از طرف محمدشاه انتخاب گردید. ایشان در این باره می‌نویسد: «معلوم ارباب استحضار حالات سالفه است که از عهد نادرشاه مغفور تا زمان تشریف داشتن شاه مغفور طاب ثراه، در محاصره هرات و وقوع قتل و غارت محمره ملک این دولت علیه بدست علیرضا پاشا والی سابق بغداد، ابداً بخلاف اتحاد و استسلام مشاجره و گفتگوی سرحدّ دولّتين علّيتين در میان نبود ولکن آن اوقات بعلت آزادی گمرک محمره و خوش سلوکی حاکم روز بروز گمرک بصره و آبادی آنجا مختل، و این معنی بر طبع منافق علیرضا پاشا ناموافق آمده متتهز فرصت می‌بود و به مفاد قل موتوا بغیضکم رفتار می‌نمود، غیبت پادشاه دین‌پناه را از مقر خلافت برای اجرای نیت باطل خود غنیمت و بهترین وسائل فرصت شمرده علی‌الغفله با استعداد زیاد به محمره هجوم آورد و حاکم آنجا با جمعی از اعراب که همان ساعت دست‌رس بود حرکت مذبوحی کرد به مقابله او شتافت.

^۳ - دو هزار سال تاریخ خرم شهر، از خاراکس تا برآمدن آلبوچا سب، یا سر خلفی،

و در پیش قشون دولتی همراه علیرضا پاشا بود تاب مقاومت نیاورده، روی برتافت. اکثری از جمعیت او مقتل و قلیلی به شهر و اطراف فراری و در گوشه اختفا و انزوا متواری گردید. قشون عثمانیه بدون مانع و بلافاصله داخل شهر شده تمامی خانها و کاروانسرا و انبارها را که با اموال تجار دولت علیه پر بود غارت و خیرکی بی‌نهایت کرد، رجال آنجا را قتل و دستگیر و صبیان و نسوان آنها اسیر و بی‌گداد مراجعت نموده.^۴

لسان‌الملک سپهر همچون مشیرالدوله، علت هجوم پاشای بغداد به محمره را خوش سلوکی و مدارای حاکم محمره با بازرگانان و کاسته شدن عشاری بصره می‌داند: «از بهر آنکه در شهر محمره عوانان حاکم و عشاران با مجتازان و بازرگانان طریق رفیق و مدارا می‌سپردند و از این روی تجار بیشتر حمل خود را به محمره فرود می‌آوردند و از وجه عشاری بصره کاسته می‌شد.^۵»

پس منابع قاجاری تنها دلیل حمله علیرضا پاشا به محمره را از رونق افتادن و کاهش درآمد بندر بصره ذکر کرده‌اند.

عبدالنبی قیم در کتاب پانصد سال تاریخ خوزستان به تفصیل این واقعه را شرح داده است. ایشان علاوه بر کاهش درآمد گمرکات بندر بصره عوامل دیگری را در این ماجرا دخیل می‌داند: «نزدیکی انگلیسی‌ها با حاج‌جابر خان، خشم و غضب فرانسوی‌ها را به دنبال داشت، از این روی فونتانیه کنسول فرانسه در بغداد، دولت عثمانی را علیه حاج‌جابر تحریک کرده، آنها را به حمله بر محمره تشویق کرد. علاوه بر این فونتانیه

^۴ - تحقیقات سرحدیه، میرزا جعفر خان مشیرالدوله، ص ۲-۳

^۵ - ناسخ التواریخ، قاجاریه، لسان‌الملک سپهر، جلد دوم، ص ۷۰۲

فرانسوی مشاور سیاسی و نظامی علیرضا پاشا در این حمله او را همراهی می‌کرد. عامل دیگر خیانت عبدالرضا بن برکات از شیوخ بنی‌کعب است. در این نبرد عبدالرضا بن برکات از خاندان آل‌ناصر و از شیوخ بنی‌کعب نقش مهمی در فریب شیخ ثامر و غافلگیر کردن او داشت. عبدالرضا بن برکات پیش از این بر سر زعامت و رهبری بنی‌کعب با شیخ ثامر، اختلاف و منازعه داشت. از این رو از فلاحیه خارج شده، نزد والی بغداد روزگار می‌گذراند. عبدالرضا در این کارزار، شیخ ثامر و حاج جابر را فریفته، گسیل و رهشپاری سپاه سوی محمره را دگرگونه جلوه داده و آن را سوی بصره قلمداد کرد.^۶

نکته قابل توجه در این گزارشات آن است که در هیچ کدام از منابع ذکری از فرار و تسلیم شهر، توسط حاج جابر به علیرضا پاشا به میان نیامده است بلکه بالعکس از مقاومت و پایمردی او سخن رفته است. حال اینکه چرا برخی سعی دارند وقایع امور را وارونه جلوه دهند، بر ما معلوم نیست.

^۶ - پانصد سال تاریخ خوزستان، عبدالنبی قیم، ص ۳۳۸-۳۳۹

در کنار این مسائل بخصوص در مورد گسترش تمایلات قومی و تجزیه-طلبانه، تشکیل حکومت نوپای عراق بعد از جنگ جهانی دوم و ادعاهای ارضی این کشور در قبال خوزستان، نکته قابل توجه می‌باشند.

تشکیل حزب بعث در عراق البته به این ادعاهای قومیتی دامن می‌زد و برای آن نوعی ارزش‌گذاری می‌نمود که ناگزیر از سوی بسیاری از رهبران کشورهای عربی دنبال می‌شد. حزب بعث در سال ۱۹۴۷ میلادی توسط دو معلم به نامهای میشل عفلق^{۱۷} و صلاح بیطار پایه‌گذاری شد.

^{۱۷} میشل عفلق متولد سال ۱۹۱۰ در دمشق فیلسوف، جامعه‌شناس و ملی‌گرای عرب سوری بود. او بنیادگذار عقیدتی جنبش بعثی (شکل سکولاری از ملی‌گرایی عربی) بود. میشل عفلق پدر معنوی صدام حسین به شمار می‌رود میشل عفلق نظریه‌پرداز و آغازگر حزب بعث سوسیالیست عرب بود که با کمک صلاح‌الدین بیطار این حزب را تأسیس کرد. وی در دمشق در خانواده‌ای مسیحی از شاخه ارتودکس یونانی زاده شد.

موج عربی دخالت در امور خوزستان و تحریک اعراب این نواحی به جدا شدن از ایران، از سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ش) در پس اوج گیری حرکت-های ناسیونالیستی و استقلال طلبانه جهان سوم بخصوص با توجه به

۱۲ ⇒ ۵۷

نهضتی که جمال عبدالناصر در مصر رهبری آن را بر عهده داشت، شکل گرفت. از آن جمله تشکلی که مدتی بهد با نام جبهه التحریر، جبهه آزادی بخش، خوزستان ایجاد گردید.

مؤسس این جبهه آزادی بخش، محی الدین کعبی متولد ۱۹۲۲ اهواز بود. او پس از پایان تحصیلات خود در عراق، به نزد پدر هود شیخ حمیدان از شیوخ عشیره کعب در اهواز بازگشت. محی الدین در اشعاری که در همین زمان سروده روح شیخ خزعل را مورد خطاب قرار می دهد. او در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵ش) عضو کادر رهبری حزب سعادت خوزستان بود. وی در سال ۱۳۳۷ با تعدادی از دوستان عرب و همین طور عراقی خود تشکیلات جبهه التحریر یا جبهه آزادی بخش را بنیان گذاشت. محی الدین و تعدادی از همفکرانش برای مدتی به کویت رفتند و پس از بازگشت، فعالیت سیاسی خود را در اهواز از سر گرفتند.

محی الدین به منظور اجرای اولین برنامه عملیاتی خود، به ارتش ایران پیوست و تلاش کرد تا حمله ای نظامی علیه خوابگاه های سربازان ترتیب دهد، اما دو ساعت قبل از شروع عملیات دستگیر و روانه زندان شد و تنها پس از تقدیم ضمانت از سوی عشایر و وساطت آنها آزاد شد. محی الدین یک بار دیگر در تاریخ ۴ آذر ۱۳۴۲ به اتهام تشکیل یک سازمان عربی جدایی طلب توسط ساواک بازداشت شد و به همراه دو نفر دیگر از اعضای گروهش به نام های عیسی و دهراب پس از تحمل ۸ ماه بازداشت، توسط دادگاه نظامی به اعدام محکوم و در ۲۴ خرداد ۱۳۴۳ در پادگان اهواز تیرباران شدند.

خرمشهر در جنگ تحمیلی

زمینه‌ها و دلایل آغاز جنگ از سوی رژیم عراق
قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، رهبران عراق با حساسیتی خاص
تحولات ایران را زیر نظر داشته و بصورت پنهانی واکنشهایی را در مقابل
آن انجام می دادند. با پیروزی انقلاب رهبران عراق خود را آماده برخورد
با شرایط جدید کرده و با آماده ساختن مردم بویژه نظامیها درصدد
برآمدن از خلاءوجود آمده در منطقه سود جسته و آرزوهای دیرینه
خود را جامه عمل بپوشانند. متقابلاً، ایران پس از سرنگونی رژیم شاه و
استقرار حکومت جدید با مشکلات عدیده ای روبرو بود؛ قدرتهای
جهانی بویژه آمریکا توطئه های متعددی را جهت سرنگونی و شکست
انقلاب طراحی و اجرا کردند. ارتش آمریکایی شاه که دارای خود
نظامیگری آمریکای بود بسرعت پاکسازی شد و عناصر وابسته و خائن
از فرماندهی ارتش کنار گذاشته شدند. در این شرایط منطقه شدیداً دچار
بی ثباتی شده و قدرتهای بزرگ درصدد حفظ منافع خود بودند. اهمیت
منطقه خلیج فارس دو ابر قدرت را مجبور می ساخت تا برای آینده
منطقه طرحهایی را تهیه و به مورد اجرا بگذارند. در پی تقویت سرویسها
و ایستگاههای جاسوسی آمریکا در ترکیه، که به جای ایران بعنوان حافظ
منافع آمریکا در کمربند امنیتی به دور شوروی انتخاب شده بود، ارتش
شوروی تهاجم به خاک افغانستان را آغاز کرد. در پی این تحولات،
صدام حسین نیز جایگزین البکر در عراق شد و قدرت را در دست
گرفت تا زمینه های لازم را جهت وارد آوردن یک فشار اساسی و همه
جانبه به ایران فراهم آورد. تمامی این اقدامات برای سرنگونی انقلابی
صورت می گرفت که قصد داشت به ایجاد وحدت و یکپارچگی در
جهان اسلام، ظهور یک نیروی سوم را به جهانیان نوید دهد. آمریکا در پی
شکست توطئه های گوناگون خود در داخل ایران، بویژه عقیم ماندن
عملیات طبس و شکست عناصر وابسته داخلی، به صدام دستور داد تا

با انقلاب اسلامی وارد جنگ و حکومت مردمی و انقلابی ایران را
سرنگون سازد .

در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ (۰۱۹۸۰م) صدام حسین بطور یک جانبه
قرار داد الجزایر را لغو کرد و در ۳۱ شهریور همان سال دستور حمله
گسترده به مرزهای ایران را صادر کرد.البته قبل از این تاریخ نیروهای
عراقی تعرضات نامنظم بسیاری به مرزهای ایران انجام داده بودند .
به هر تقدیر ، تهاجم اصلی عراق پس از فراهم شدن زمینه های سیاسی
و نظامی در محورهای زیر آغاز شد :

الف - محور خانیقین - قصر شیرین سر پل ذهاب .

ب - محور مندلی - سومار - گیلان غرب .

ج - محور بدره - مهران .

د - محور امامزاده عباس - پل نادری - دزفول .

ه - محور فکه - شوش - عمق ایران .

و - محور شیب - سوسنگرد - اهواز .

ز - محوره نشوه - جعفر - هویزه .

ح - محور کباصی - اهواز .

ط - محور شلمچه - کارون - آبادان .

ی - محور شلمچه - خرمشهر .

عراق در آغاز تهاجم به دلیل عدم آمادگی نیروهای نظامی ایران با سرعت زیادی در داخل خاک ایران پیشروی کرد. تنها عامل بازدارنده در مقابل ارتش عراق مقاومت مردم و نیروهای انقلابی بود که مانع رسیدن نیروهای عراقی به اهداف استراتژیک آنان شد. در پی توقف ارتش عراق و شکست استراتژی پیروزی برق آسا، رهبران عراق خواهان توقف جنگ شدند؛ لیکن با توجه به اینکه بخش عمده ای از سرزمینهای ایران در اشغال ارتش عراق قرار داشت این تقاضا مورد مخالف ایران قرار گرفت. در این فاصله نیروهای مردمی ایران توانستند ضربات پراکنده و مداومی به واحدهای رزمی عراق که در لاک دفاعی فرو رفته بودند، وارد آورند. این حرکت‌های محدود و پراکنده زمینه ساز ضربات گسترده تری شد که بعدها ارتش عراق را مجبور به عقب نشینی از خاک ایران کرد. در تحریکات نیروهای ایران علیه واحدهای مهاجم عراق شور و شوق اعتقادی نقش عمده ای ایفا می کرد و مردم ایران علی رغم شرایط سخت، جبهه های جنگ را پشتیبانی کرده و از نیروهای مردمی حمایت می کردند. ادامه نبرد و پایداری مردم ایران بعلاوه عدم انگیزه کافی در نیروهای عراق، جنگ را وارد مرحله جدیدی ساخت و نیروهای مردمی نبردهای سنگینی را به منظور اخراج واحدهای ارتش عراق از مناطق اشغالی، طراحی و به مورد اجرا گذاردند. این نبردها که شامل عملیات شرق کارون، ثامن الائمه، طریق القدس، آزادی بستان، فتح الامین و بیت المقدس بود، ضربات سختی به نیروهای عراقی وارد آورد و موجبات شکست ارتش عراق را فراهم کرد. نیروهای انقلابی ایران در ادامه جنگ به منظور تنبیه متجاوز، عملیات نظامی خود را در عمق خاک عراق ادامه دادند و نبردهای بزرگی همچون سلسله عملیات والفجر، عملیات خیبر، بدر و عملیات حماسی والفجر ۸ را انجام دادند. عملیات تصرف شهر مهم و استراتژیک فاو یکی از بزرگترین نبردهای جنگ

۸ ساله است که طی آن عراق ضربات جبران ناپذیری متحمل شد و ضمن از دست دادن تجهیزات و نیروی انسانی فراوان ، روحیه رزمی خود را به طور کامل از دست داد؛ تا جایی که اگر کشورهای غربی از ارتش عراق حمایت نمی کردند، این مقطع می توانست نقش تعیین کننده ای در جنگ ایران و عراق داشته باشد. پس از عملیات فاو ، ارتش عراق با کمکهای فکری و تسلیحاتی قدرتهای بزرگ ، استراتژی دفاعی متحرک را درپیش گرفت و توانست با انجام عملیات محدود در طول نوار مرز بویژه تصرف شهر مهران ، تا حدودی روحیه از دست رفته نظامیان خود را به آنان بازگرداند. اما دیری نپایید که این اقدام نیز همچون حرکتیهای ابتدای جنگ با حضور نیروهای مردمی به شکست انجامید و واحدهای نظامی ایران توانستند مجدداً شهر مهران را از اشغال ارتش عراق خارج سازند

کشورهای حامی عراق بویژه آمریکا با مشاهده این وضعیت و شکست ارتش عراق در عملیات شلمچه ، ماووت ، حلبچه و ... تصمیم گرفتند به هر صورت ممکن به جنگ خاتمه دهند. حضور گسترده نظامی آمریکا در خلیج فارس ، حملات موشکی عراق به مناطق مسکونی و استفاده وسیع از سلاحهای شیمیایی در جنگ از جمله اقداماتی بود که از سوی دشمنان انقلاب به ایران تحمیل شد. در اینجا به منظور آشنایی با سازمان و شیوه عمل ارتش عراق در آغاز جنگ هشت ساله ، حوادث و رویدادهای این دوران و همچنین اقدامات ارتش عراق را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می دهیم .

زمینه سازی برای آغاز جنگ

در زمانی که ارتش ایران به علت شرایط انقلاب اسلامی و کوشش نیروهای مومن و متعهد برای بازسازی آن، آمادگی لازم جهت دفاع از مرزهای کشور نداشت، عراق با پشتیبانی کشورهای غربی و شرقی در حال تجهیز ارتش خود به مدرن ترین سلاحها و عقد قراردادهای بزرگ با کشورهای مختلف جهان بود. فرماندهی عالی نیروهای مسلح عراق با استخدام نیروهای جدید و برگزاری دوره های آموزشی فشرده در صدد افزایش توان کمی و کیفی واحدهای رزمی خود بود. خریدهای تسلیحاتی به طور چشمگیری افزایش یافته بود و کشورهایی همچون فرانسه، ایتالیا، برزیل و... نقش مهمی در پشتیبانی تسلیحاتی عراق داشتند. در فاصله پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع جنگ، ارتش عراق علاوه بر اقدامات فوق، زمینه های لازم را نیز جهت انجام یک حمله نظامی فراهم می آورد. اهم فعالیتهای عراق در این دوره شامل موارد زیر بود:

- ۱- عقد قراردادهای تسلیحاتی سنگین با کشورهای مختلف. بعنوان نمونه می توان به خرید هواپیماهای میراژ در این مقطع اشاره کرد.
- ۲- استفاده از پیمان همکاری و دوستی با شوروی برای خرید تسلیحات بیشتر مانند هواپیما، زره پوشهای مدرن، موشک، توپخانه و مهمات.
- ۳- احداث فرودگاه و باندهای فرود اضطراری در مناطق مختلف کشور برای تامین میدان عملیات هواپیماها.
- ۴- برگزاری دوره های متعدد آموزش فرماندهی و ستاد برای تربیت کادر افسری مورد نیاز ارتش.

۵- ایجاد تشکیلات جدید برای گسترش ارتش .

۶- تهیه نشریه های آموزشی با تکیه بر توصیه های آموزشی بویژه در زمینه حمله و مانور تهاجمی .

۷- اجرای تمرینات حمله در سطح تیپ و گردان .

۸- تغییر در روش و فشرده کردن دوره های آموزشی .

۹- خرید و نگهداری مهمات مورد نیاز برای تهاجم سراسری .

۱۰- ساخت انبارها و زاغه ها جهت نگهداری امکانات و مهمات .
از دیگر اقداماتی که مسئولین سیاسی عراق هیچگاه از آن غفلت نکردند، ایجاد آمادگی روحی و روانی در مردم و نیروهای مسلح برای این تهاجم نظامی بود. مسئولین عراق بخوبی به این نکته پی برده بودند که با توجه به حرکت موفق و مردمی انقلاب اسلامی ایران ، باید زمینه های فکری و روانی یک حرکت نظامی علیه آن از قبل فراهم شود، در غیر این صورت با توجه به جاذبه های انقلاب اسلامی دیر یا زود مردم عراق به ماهیت چنین اقدام پی برده در مقابل آن از خود عکس العمل نشان خواهند داد . در چنین وضعیتی عراق اقدامات زیر را جهت فریب افکار عمومی انجام داد :

- ایجاد خصومت بین عرب و فارس و جنبه تاریخی بخشیدن به دشمنی عرب و عجم .

- طرح این نکته که رهبری انقلاب ایران دارای ایده توسعه طلبانه است و این توسعه طلبی در آینده ابتدا گریبانگیر عراق و سپس سایر کشورهای

عربی خواهد شد. این مسئله در تبلیغات غربی با واژه صدور انقلاب از طرف ایران مورد اشاره قرار می گرفت .

- تبلیغ غیر اسلامی بودن انقلاب و دست داشتن عوامل خارجی در به ثمر رساندن آن .

- حمله و جوسازی علیه مسئولین و کادرهای بالای انقلاب بویژه امام خمینی

- افزایش حقوق نظامیان و آغاز طرحهای خانه سازی برای آنان .
- افزایش حقوق کارکنان دولت .

مسئولین سیاسی عراق قبل از تهاجم به ایران در سیاست خارجی خود نیز تجدید نظر کرده و همبستگی خود را با کشورهای مترقی عرب (جبهه پایداری) قطع کردند. رژیم عراق به دلیل نیاز به پشتیبانی اقتصادی ، سیاسی و تبلیغاتی کشورهای مرتجع و نیز هماهنگی با سیاستهای آمریکا و غرب، روابط خود را با کشورهای مانند عربستان ، اردن و کشورهای حاشیه خلیج فارس توسعه بخشید و موضعی خصمانه در قبال کشورهای لیبی ، سوریه ، الجزایر و یمن دمکراتیک اتخاذ کرد. به نظر می رسد عراق برای تجاوز به ایران با سران کشورهای مرتجع به توافق کامل رسیده و در این زمینه با آنان تبادل نظر کرده بود. اهداف تغییر سیاست خارجی عراق را می توان در موارد زیر جستجو نمود :

- هماهنگی با سیاستهای غرب در منطقه و جلب پشتیبانی سیاسی ، اقتصادی و تبلیغاتی این کشورها .

استفاده از بنادر این کشورها در صورت مسدود شدن بندر بصره برای انتقال سلاح ، تجهیزات و کالاهای اقتصادی .

استفاده از تولیدات نفتی کشورهای مزبور جهت تجهیز و پشتیبانی عراق در طول جنگ .

انعقاد قراردادهای سنگین نظامی و اقتصادی با تضمین سرمایه کشورهای مرتجع .

بهره برداری از تبلیغات این کشورها در ابعاد داخلی و خارجی .
- فشار سیاسی به ایران جهت پذیرفتن شرایط عراق و در انزوا قرار دادن این کشور .

عراق برای دست یافتن به یک توجیه سیاسی و بین المللی ، مدتها قبل از تهاجم به ایران در تلاش بر آمد تا سیاست خارجی ایران را یک سیاست توسعه طلبانه با انگیزه صدور انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه نشان دهد. در این زمینه مسئولین عراق دست به اقداماتی در داخل زدند تا به خیال خود آغاز حمله به ایران را توجیه نمایند. لذا با دستاویز قرار دادن یک سلسله حوادث بعضاً ساختگی ؛ بلندگوهای رژیم عراق ایران را متهم به دخالت در این حوادث کرده و یاد آور شدند مسئولین ایران این اقدامات را به منظور تضعیف عراق و ضربه زدن به این کشور انجام می دهند. صدام بعنوان مقدمه اصلی ورود به جنگ با ایران ، منشور «اقدام قوی» را اعلام کرد. و در کنار این منشور دست به اقداماتی زد که به برخی از آنها اشاره می شود :

سوء استفاده از حادثه دانشگاه المستنصریه که برای ترور طارق عزیز اجرا شد و معرفی ایران بعنوان تشویق کننده این عمل .

افراد مذهبی بعنوان عاملین ایران بازداشت می شدند در حالی که هیچ گونه ارتباط با این کشور نداشتند .

دستگیری و اعدام نیروهای مذهبی این کشور به اتهام واهی ارتباط با ایران .

-اعدام شهید آیت الله صدر و خواهر مکرّمه ایشان .

کوچ اجباری دهها هزار نفر از شهروندان مسلمان به دلیل داشتن تابعیت ایرانی .

فشار بر حوزه های علمیه بویژه حوزه علمیه نجف و بازداشت هزاران نفر از طلاب .

اخراج و تبعید تمامی نظامیان مشکوک .

متهم نمودن ایران به عدم پایبندی به قرار داد الجزایر .
مقامات عراق در کنار زمینه سازیهای متعدد برای آغاز جنگ ، اقداماتی جهت تخریب روحیه مردم ایران و تضعیف قدرت نظامی بویژه در استانهای مرزی ، به مورد اجرا گذاشتند. جذب افراد شرور و فرصت طلب و تسلیح و درگیر نمودن آنان با نظام نوپای اسلامی و تشدید روحیه قومیت گرایی در مناطق مختلف، از جمله این اقدامات بود که به نوعی زمینه های هجوم ارتش عراق را فراهم کرده و آنان را جهت دستیابی بهتر و سریعتر به اهداف خودیاری داد. برخی از این اقدامات عبارت بودند از :

قاچاق دهها هزار قبضه سلاح مختلف به داخل کشور ایران و توزیع آن در میان عناصر شرور و منحرف عرب که در استان خوزستان سکونت داشتند .

توزیع سلاح و مواد منفجره در میان گروهها و عناصر ضد انقلاب و ترغیب آنان به انجام عملیات خرابکارانه .

پشتیبانی مادی و نظامی از عناصر مخالف انقلاب اسلامی .

اجرای چندین عملیات خرابکارانه در داخل کشور، از جمله انفجار لوله های نفت در خوزستان .

دامن زدن به قومیت گرایی در میان اعراب خوزستان و سازماندهی آنان در تشکلات افراطی .

نفوذ به خاک ایران در مناطق مختلف مرزی به منظور القاء بی ثباتی و ضعف نیروهای نظامی و ارزیابی عکس العمل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی .

استعدادنیروهای مسلح عراق قبل از تجاوز به ایران رژیم عراق مدتها قبل از تهاجم به ایران ، تقویت ارتش را آغاز کرده و با عقد قراردادهای سنگین تسلیحاتی و برگزاری دوره های متعدد آموزشی و جذب نیرو، توانست قدمهای مؤثری در زمینه توسعه سازمان رزم ارتش بردارد. ارتقاء کیفیت رزمی ارتش بویژه در هجوم از جمله دستاوردهای این تحول در سازمان رزم بود. جهت آشنایی با استعداد ارتش عراق در آستان هجوم به ایران به معرفی اجمالی سازمان نیروهای مسلح این کشور در مقطع مزبور می پردازیم .

استعداد نیروی زمینی

نیروی زمینی ارتش عراق در آغاز جنگ ۵ لشکر زرهی ، ۲ لشکر مکانیزه و ۵ لشکر پیاده داشت که توسط سه تیپ نیروی مخصوص و گارد ریاست جمهوری و همچنین ۲ تیپ گارد مرزی تقویت می شد. علاوه بر این ، واحدهای رزمی جیش الشعبی نیز سازمان رزم ارتش عراق را

مورد حمایت و پشتیبانی قرار می دادند. ترکیب نیروی زمینی ارتش به شکل زیر بود :

یگان محل استقرار

لشکر دوم پیاده کوهستانی کرکوک

لشکر چهارم پیاده کوهستانی موصل

لشکر هفتم پیاده سلیمانیه

لشکر هشتم پیاده اربیل

لشکر یازدهم پیاده زاخو

ب - سپاه دوم در منطقه «تمام هیانی» مستقر شده و مقر اصلی آن در بغداد بود. واحدهای این سپاه به شرح زیر بود :

۱- لشکر سوم زرهی تکریت

تیپ ششم زرهی مسیب

تیپ دوازدهم زرهی تکریت

تیپ هشتم مکانیزه الوراز (استان رمادی)

۲- لشکر ششم زرهی مقر لشکر در یعقوبه پادگان سعه

تیپ شانزدهم زرهی جلولا

تیپ سی ام زرهی منصوریه

تیپ بیست و پنجم مکانیزه خائقین

ج - سپاه سوم در محور جنوبی. یگانهای آن عبارت بودند از :

۱- لشکر یکم پیاده - مکانیزه دیوانیه

تیپ بیست و هفتم پیاده - مکانیزه العماره

تیپ سی و چهارم زرهی

۲- لشکر پنجم پیاده - مکانیزه

تیپ پانزدهم پیاده - مکانیزه شعیبیه - بصره

تیپ بیستم پیاده - مکانیزه دیهیمیه - بصره

تیپ بیست و ششم میدان اسب دوانی بصره

۳- لشکر نهم زرهی ابوغریب بغداد

تیپ سی و پنجم زرهی تاجی بغداد

تیپ چهل و سوم زرهی تاجی بغداد

تیپ چهاردهم پیاده - مکانیزه ناصریه

د - لشکر دوازدهم زرهی قبل از جنگ وابسته به قرارگاه کل بود ولی

در جریان جنگ تحت امر سپاه دوم قرار گرفت .

ه - سه تیپ نیروی مخصوص زیر :

تیپ ۳۱ نیروهای مخصوص کرکوک و تحت امر سپاه یکم

تیپ ۳۲ نیروهای مخصوص کوت و تحت امر سپاه دوم

تیپ ۳۳ نیروهای مخصوص بصره و تحت امر نیروی دریایی

تیپهای مزبور با شروع جنگ تحت امر سپاه سوم قرار گرفتند .

و - یگانهای گارد ریاست جمهوری که دارای مأموریت و سازمان ویژه بودند، مقرر اصلی آنان بغداد بود و ترکیبی به قرار ذیل داشتند :
۱- تیپ گارد ریاست جمهوری (نیروهای گارد ریاست جمهوری

شامل :

گردان نیروی مخصوص

گردان زرهی تانک

دو گردان پیاده - مکانیزه

۲- تیپ ۱۰ زرهی گارد ریاست جمهوری ، مستقر در پادگان الرشید بغداد .

ز - فرماندهی نیروهای گارد مرزی ، دارای تقریباً بیست تیپ مرزی .
ح - چندین گردان نیروی دفاع واجبات در مقرهای مرکزی سپاهها و نیروی دریایی و هوایی مستقر بودند و در خلال جنگ مورد استفاده عملیات قرار گرفتند .

استعداد نیروی هوایی و پدافند هوایی

در ابتدای جنگ نیروی هوایی عراق متشکل از بیست اسکادران هواپیماهای جنگنده رهگیر و بمب افکن بود که در ۹ پایگاه هوایی استقرار داشتند. همچنین چند تیپ موشکی زمین به هوا و سه تیپ پدافند هوایی در مناطق حساس مستقر بودند .

استعداد نیروی دریایی و گارد ساحلی

نیروی دریایی عراق دارای دو پایگاه اصلی بود :

- ۱- پایگاه دریایی بصره که تیپ ۷۷ دریایی در آن قرار داشت. این تیپ متشکل از واحدهای مین روب و ۴ کشتی کوچک پیاده کننده نیرو بود .
- ۲- پایگاه خلیج عربی [فارس] در بندر ام القصر که تیپ هفتم دریایی در آن استقرار داشت؛ این تیپ دارای قایقهای موشک انداز سریع بود.
- ۳- یگانهای پیاده وابسته به نیروی دریایی که از نظر سازمان شباهت بسیاری به گردانهای دفاع واجبات داشتند .

استعداد نیروی جیش الشعبی

جیش الشعبی نیروهای مردمی هستند که از طریق هسته های حزبی جذب می شوند. استعداد این نیروها بنا به اظهارات رسمی ، نزدیک به نیم میلیون نفر است که امکان افزایش آن بر حسب شرایط تا یک میلیون نفر وجود دارد. سازماندهی این نیروها به شکل «قاطع» است که شامل چند پایگاه عملیاتی و یک پایگاه پشتیبانی می باشد .
ارتش عراق در استانه جنگ

سازمانهای جاسوسی غرب اطلاعات دقیقی از اوضاع اقتصادی، سیاسی، مشکلات داخلی و درگیریهای سیاسی داخلی ایران در اختیار عراق قرار

دادند. عراق به دقیقترین جزئیات وضعیت نظامی ایران و ازهم گسیختگی ارتش که در نتیجه کاهش مدت خدمت وظیفه وانقضای خدمت هزاران نظامی اعم از افسر و درجه دار به وجود آمده بود، دست یافت و از حجم نیروهای مسلح ایران وعدم انضباط نظامی و آشفتگی یگانهای نظامی، اطلاعات با ارزشی به دست آورد. عربستان سعودی نیز از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی لحظه به لحظه مسئولین عراق را از توان نظامی ایران آگاه ساخته و اطلاعات خود را بصورت شفاهی و حتی گزارشهای کتبی در اختیارانی کشور قرار می داد رژیم فهد اطلاعات مزبور را از طریق سازمان اطلاعات آمریکا دریافت می کرد سازمان «سیا» تعداد زیادی از عناصر ساواک و نظامیان فراری را در اختیار داشت و از طریق آنها و نیز عناصر نفوذی خود اطلاعات ذی قیمتی کسب می کرد. سفارتخانه های خارج مستقر در ایران و نیز عناصری که از ایران به عراق فرار کرده بودند از دیگر منابع خبری رژیم عراق محسوب می شدند. صدام با داشتن این اطلاعات مترصد فرصتی بود تا در زمان مقتضی ضربه خود را به نظام نوپای ایران وارد آورد. تنها ابهام و نگرانی صدام و حزب بعث عراق ، نیروی هوایی ایران بود. تواناییهای نیروی هوایی و وفاداری پرسنل آن به انقلاب اسلامی نگرانیهایی را در میان طراحان حمله نظامی به ایران بوجود آورده بود. به همین منظور ، رهبران عراق تصمیم گرفتند حمله گسترده خود را از ژوئیه ۱۹۸۰ (خرداد ماه ۱۳۵۸) به تأخیر انداخته و در انتظار توطئه ای باشند که توسط سازمانهای جاسوسی غرب بر علیه امام و انقلاب اسلامی در دست اجرا بود و مأمور اجرای این توطئه معدودی از پرسنل خائن نیروی هوایی بودند. با شکست این توطئه ، رهبران عراق مصمم شدند حمله نهایی و گسترده خود را به منظور سرنگونی حکومت ایران آغاز کنند. از جمله بهانه های رژیم عراق برای تهاجم به ایران افزایش حجم سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و

تشکیل ارتش بیست میلیونی بود. فراخوانی مردم توسط امام برای تشکیل ارتش بیست میلیونی، کابوسی برای مخالفین انقلاب اسلامی، به ویژه سران مرتجع عرب و بالخصوص صدام بوجود آورده و راحتی خیال را از آنان گرفته بود. به همین دلیل رهبران عراق در صدد برآمدن از شرایط سختی که جمهوری اسلامی در آن گرفتار شده بود سود جسته و قبل از اینکه نظام اسلامی تثبیت شده و به یک نیروی قدرتمند در منطقه تبدیل گردد، ضربه نهایی و شکننده به آن وارد آورند.

ارزیابی ایران قبل از تهاجم

در طول ماه سپتامبر تا روز حمله سراسری عراق، رویدادهایی در خطوط مرزی به وقوع پیوست که بسیاری مدون و برنامه ریزی شده بود. رهبران عراق قصد داشتند با انجام تحرکاتی در خطوط مرزی، عکس العملهای احتمالی ایران را قبل از اقدام به عملیات گسترده ارزیابی کنند. بدین منظور به واحدهایی که در نزدیکی مرز قرار داشتند دستور دادند بعضی از پاسگاههای ایران را که عراق مدعی مالکیت آنها بود اشغال کرده و در انتظار دستورات بعدی باشند. به عنوان نمونه می توان به اشغال پاسگاههای سیف سعد (منطقه میمک)، هیله، نی خضر و هنجیره توسط تیپ ۲۴ مکانیزه (از لشکر دهم زرهی) اشاره کرد. این تیپ در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۳ با سرعت و بدون هیچ مقاومتی از سوی نیروهای ایرانی موفق شد پاسگاههای فوق را پس از تصرف به تیپ ۲ لشکر دوم واگذار کند.

در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۶ صدام طی سخنانی در مجلس ملی عراق لغو قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر را اعلام کرد و در این امر تلو یحاً به منزله اعلام آغاز جنگ بود. اعلام لغو قرارداد الجزایر پس از اشغال برخی از مناطق مرزی

ایران و عدم عکس العمل جدی از سوی نیروهای مسلح ایران ، این مسئله را در ذهن رهبران عراق تقویت نمود که در صورت حمله ، نیروهای ایرانی قادر به هیچ گونه اقدامی نیستند. به این ترتیب فرماندهان نظامی عراق به صدام اطمینان دادند که در صورت اشغال بخش وسیعی از خاک ایران ، ارتش این کشور قادر به پاسخگویی قاطع نیست ؛ به همین دلیل صدام متن قرارداد الجزایر را در مقابل دوربینهای تلویزیون عراق پاره کرد و رودخانه اروند را یک رودخانه صرفاً عربی اعلام کرد. عراق می دانست که عکس العمل ایران در برابر عبور کشتیهای تجاری که صرفاً پرچم عراق بر روی آنها نصب شده باشد، چگونه خواهد بود، لذا در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۸ با ادعای خود مبنی بر تیر اندازی ایران به کشتی کویتی که هنگام عبور از رودخانه اروند پرچم عراق بر روی آن نصب شده بود، دنیا را از آغاز یک درگیری و مناقشه نظامی باخبر ساخت و این اقدام ایران را تجاوزی به حقوق قانونی عراق در رودخانه شط العرب (اروندرود) قلمداد کرد. به این ترتیب ، عراق کوشید قبل از آغاز تهاجم سراسری به ایران جو سیاسی متشنجی در دنیا بوجود آورده و توجیه مناسبی برای اقدام خود بدست آورد .

حمله سراسری عراق

در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ سپاههای دوم و سوم عراق مأموریت یافتند طبق طرحها و برنامه های تعیین شده حمله به اهداف مورد نظر در خاک ایران را آغاز کنند . این دستورات در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۶ به صورت شفاهی به فرماندهان سپاه ابلاغ شده بود. در این ابلاغیه ، ساعت اجرای مأموریت نیز (ساعت - صفر) معین شده بود .

در آستانه عملیات ، حادثه قابل توجهی ذهن همه فرماندهان را به خود مشغول ساخت: در حالی که واحدهای رزمی در جنب وجوش فوق العاده

ای بودند و نقل و انتقالات گسترده ای آغاز شده بود، ناگهان برکناری فرمانده و رئیس ستاد سپاه سوم و فرمانده و رئیس ستاد لشکر پنجم مکانیزه اعلام شد. صدام به دلایل واهی که چندان قابل اهمیت بنظر نمی رسید چهار تن از فرماندها مؤثر عملیاتی را از کار برکنار کرد. سرکشکر ستاد عدنان الجبوری فرمانده سپاه سوم در روز ۱۳۵۹/۶/۲۷ به لشکرهای تابعه سپاه و سگانهایی که جهت تقویت سازمان ، تحت امر این سپاه قرار گرفته بودند دستور عملیاتی را بصورت کتبی ابلاغ کرد. از آنجا که صدام مخالف ابلاغ دستورات بصورت کتبی بود و احتمال آن را می داد که در آینده از مدارک کتبی علیه او بعنوان آغازگر جنگ استفاده شود، دستور داد بخشنامه صادره از سوی فرماند سپاه جمع آوری شود و پس از آن سرلشکر ستاد عدنان الجبوری ، سرتیپ ستاد جواد البدر فرمانده و رئیس ستاد سپاه سوم و همچنین سرتیپ ستاد سلمان باقر و عبدالماجد به ترتیب فرمانده و رئیس ستاد لشکر پنجم مکانیزه را از کار برکنار نمود و به جای آنها سرلشکر ستاد ، اسماعیل تابه النعمی به فرماندهی سپاه سوم منصوب شد و سرتیپ ستاد نعمه فارس ، ریاست ستاد سپاه سوم و سرتیپ ستاد صلاح القاضی ، فرماندهی لشکر پنجم را بعهده گرفتند .

سازمان نیروهای عراقی در موج اول حمله

طرح عملیات و نحوه پیشروی هر یک از واحدها طبق نقشه، از پیش تعیین شده بود و فرماندهان واحدهای عمل کننده برای کسب آخرین آمادگیها تلاش می کردند واحدهایی که در موج اول عملیات شرکت داشتند عبارتند از :

الف - سپاه دوم با استعداد زیر در مرحله اول عملیات هجوم خود را آغاز می کرد :

لشکر دوم

لشکر چهارم پیاده

لشکر ششم زرهی

لشکر هشتم پیاده

لشکر دوازدهم زرهی

تیپ ۳۲ نیروهای ویژه

ب - سپاه سوم در مرحله اول با استعداد زیر وارد عمل می شد :

لشکر دوم زرهی

لشکر پنجم مکانیزه

لشکر نهم زرهی

لشکر یکم مکانیزه

لشکر دهم زرهی

تیپ منهای ۳۱ نیروهای ویژه

تیپ ۳۲ نیروهای ویژه دریایی

پ - احتیاط کلی - نیروهای گارد ریاست جمهوری:

تیپ ده زرهی

تیپ گارد ریاست جمهوری

خلاصه ای از طرح حمله به عراق

چنانکه قبلاً گفته شد یکی از ابهامات اصلی فرماندهان ارتش عراق توانایی نیروی هوایی ایران بود و به همین دلیل ، حمله غافلگیرانه به پایگاههای هوایی ایران برای نابودی هر چه وسیعتر هواپیماها و از کار انداختن فرودگاه در اولویت قرار گرفت تا بدین وسیله نیروی زمینی ارتش عراق با خیالی آسوده به پیشروی ادامه داده و به اهداف مورد نظر دست یابد. همچنین در طرح حمله سراسری پیش بینی شده بود نیروی زمینی ارتش عراق همچون نیروی هوایی ، هجوم غافلگیرانه و سریع خود را توسط سپاههای دوم و سوم به عمق خاک ایران آغاز کرده و با اشغال شهرهای مهم مرزی ، تنگه ها و ارتفاعات حساس و منطقه نفت خیز خوزستان ، زمینه های سقوط نظام نوپای اسلامی را فراهم سازد .

طرح مانور سپاه دوم

سپاه دوم مأموریت داشت شهرهای قصر شیرین و گیلانغرب ، گردنه پاتاق ، سومار ، مندلی و ارتفاعات مهم منطقه را اشغال نماید؛ این مأموریت در دو محور اصلی و چند محور فرعی به شکل زیر انجام می شد :

الف - اشغال شهر قصر شیرین ، گردنه پاتاق و تصرف ارتفاعات مهم و پیشروی در سه محور :

۱- محور زین القوس - گردنه کومینه - امام حسن ، قطع کردن راه گیلان غرب و قصر شیرین و اشغال کوه کمکو و امام حسن ؛ فرماندهی این پیشروی بعهدہ تیپ شانزدهم با چند گردان تقویت شده بود . ۱۰ - محور قره نو تا کوه کچل سر پل ذهاب به منظور محاصره قصر شیرین از جناح چپ . فرماندهی این محور بعهدہ تیپ سوم و احتیاط آن بر عہدہ تیپ ۲۵ مکانیزه بود کہ ماموریت داشت پیشروی و الحاق با محور راست و محاصره شهر را تحقق بخشد .

۲- اشغال شهر گیلان غرب با پشت سر گذاشتن مرزهای بین المللی در محور مندلی و اشغال سومار ؛ این مأموریت بعهدہ لشکر چهارم گذاشته شد .

۳- لشکر دوم پیاده ، اشغال شهر مهران و مناطق اطراف آن را بعهدہ داشت و قرار بود در سه محور زیر مانور خود را انجام دهد :

۱-محور بدره:پاسگاه المیمه و پاسگاه الزیادی

۲- محور زرباتیہ .پاسگاه رضا آباد و سد کنجان چم ؛ این مأموریت بعهدہ تیپ چهارم از لشکر دوم پیاده گذاشته شد .

۳-تیپ سی و ششم از لشکر دوم پیاده سی ہفتم زرہی از لشکر دوازدهم ، ماموریت داشتند از محور زرباتیہ و پاسگاه محمد القاسم وارد عمل شدہ و شهر مهران را اشغال نمایند . طرح مانور سپاہ سوم

از جنوب منطقہ مهران و دہلران تا رأس البیشہ واقع در جنوب آبادان بعنوان حوزہ مسئولیت سپاہ سوم تعیین گردید .قرارگاه

اصلی سپاه در میمونه واقع در استان العماره قرار داشت. طرح مانور و اهداف سپاه سوم شامل موارد زیر بود:

الف - محاصره دزفول و مناطق همجوار از طریق پیشروی به سمت جاده دوراهی فکه ، شرهانی ، امامزاده عباس و پل نادری ، عبور از رودخانه کرخه و جاده اهواز به اندیمشک ، محاصره دزفول و پیشروی به سمت جاده اصلی .

ب - لشکر یک مکانیزه مأموریت داشت در محور فکه و شوش وارد عمل شده و با عبور از مرز کرخه و پشت سر گذاشتن جاده اهواز - دزفول ، از شمال به سمت اهواز و از جنوب به سمت دزفول پیشروی کرده و این دو شهر را محاصره نماید. این مانور با هماهنگی لشکر ده زرهی به منظور تسلط کامل بر دزفول و مناطق اطراف آن انجام می گرفت .

ج - لشکر نهم زرهی مسئولیت پیشروی به سمت اهواز و سقوط این شهر را با هماهنگی لشکر ۵- مکانیزه که در جنوب این محور مستقر بود بعهدہ داشت. این لشکر حرکت خود را به سمت اهواز از محور شیب ، بستان و سوسنگرد انجام می داد .

د - مأموریت‌های لشکر ۵ مکانیزه :

۱- تیپ ۲۶ زرهی می بایست در روز ۳۱ شهریور ۵۹ به منظور قطع جاده خرمشهر - اهواز و محاصره خرمشهر تا رودخانه کارون حرکت خود را آغاز و تا شرق ساختمانهای پیش ساخته پیشروی می کرد .

۲- تیپ ششم زرهی به دنبال محور شلمچه - خرمشهر و قسمت شرقی با گذاشتن از جاده خرمشهر - اهواز به سوی

رودخانه کارون پیشروی کرده و با عبور از رودخانه ، در منطقه کعبه به سمت جاده اهواز - آبادان و جاده آبادان - شیخ بدر ، و پس از کنترل این جاده ادامه حرکت داده و با عبور از رودخانه بهمنشیر ، محاصره آبادان را تکمیل می نماید .

ه - تیپ نیروی ویژه ، مأموریت دفاع از اروندرود، حذافصل منطقه ابو الخصیب تا فاو را بعهده داشت . و - تیپ الکولبه ، احتیاط کل سپاه بود .

۳- به هر تقدیر ، رژیم عراق با زمینه سازیهای انجام شده تهاجم علیه انقلاب اسلامی را آغاز کرد و به منظور تصرف مناطق استراتژیک وارد خاک ایران شد . ارتش عراق در روزهای اول جنگ بدون هرگونه مقاومتی به پیشروی خود ادامه داد اما با گذشت چند روز از جنگ ، مردم و نیروهای انقلابی در برابر حرکت واحدهای نظامی عراق مقاومت کرده و موفق شدند سدّ محکمی در مقابل هجوم گسترده ارتش عراق ایجاد کنند . ارتش عراق با مشاهده این مقاومت مجبور به تغییر استراتژی نظامی خود شد و با کنار نهادن استراتژی پیروزی برق آسا ، راه حل میانه ای را برای پایان جنگ انتخاب کرد؛ این راه حل شامل تصرف هدف محدود و مهمی در داخل خاک ایران و فشار سیاسی جهت گرفتن امتیاز بود^{۲۶}

^{۲۶} فصلنامه بررسی های نظامی شماره ۱۱ - معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه

حماسه ۳۴ روز مقاومت

با وجود بسترها و زمینه‌های وقوع جنگ و نیز فراهم شدن دلایل آن، جنگ‌ها با بهانه آغاز می‌شوند. صدام هنگامی در عراق به قدرت رسید که اوضاع ملی این کشور، شرایط حاکم بر ایران و نظام بین‌الملل برای دستیابی به اهدافش بسیار مساعد بود. از نظر بین‌المللی، غرب و شرق در صدد تضعیف انقلاب اسلامی ایران برآمده و کشورهای عربی به‌ویژه دولت عراق از وحشت نفوذ انقلاب در منطقه هراسان شدند. در محیط داخلی عراق، حزب بعث در آمادگی کامل برای توسعه‌طلبی به‌سرمی‌برد و ارتش این کشور مجهز و آماده برای یک اقدام استراتژیک بود و فرصت مناسبی برای جبران ضعف‌های عراق به‌ویژه در خصوص قرارداد ۱۹۷۵ فراهم آمده بود؛ مسئولان عراق خواهان دستیابی به جایگاه و موقعیت برتری در منطقه بودند تا عراق را به‌عنوان یک قدرت برتر در منطقه تثبیت کنند. اوضاع ملی ایران نیز به‌شدت دچار بی‌ثباتی سیاسی بود؛ گروه‌های مخالف داخلی دست به شورش علیه نظام نوپای اسلامی زده بودند و ارتش ایران هم به‌شدت ضعیف شده بود، از طرفی هیچ‌گونه حمایت بین‌المللی از ایران و انقلاب اسلامی نمی‌شد. با عنایت به این موقعیت و به‌دنبال حدود ۱۸ ماه درگیری‌های مرزی، ارتش عراق در ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ با ۴۸ یگان عمده (۱۲ لشکر و ۳۶ تیپ مستقل) با پشتیبانی حدود ۳۶۶ هواپیمای جنگنده، ۴۰۰ هلی‌کوپتر و ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، تهاجم همه‌جانبه‌خود به مرزها و عمق کشور ایران را آغاز کرد. طراحان نظامی، مناطق مرزی بین ایران و عراق که حدود ۱۶۰۹ کیلومتر عرض دارد را به‌منظور آرایش و هدایت نیروها به سه جبهه شمال غرب، غرب و جنوب (جنوب غربی) تقسیم کرده بودند. منطقه عملیاتی اخیر از دهانه فاو تا رودخانه چنگوله امتداد داشت. به لحاظ اهمیت منطقه عملیاتی جنوب و باتوجه به ظرفیت در این مقاله به شرح مختصر

عملکرد یگان‌های نذاجا در محدوده مرز خوزستان و جنوب ایلام پرداخته می‌شود.

شرح عملیات نیروی زمینی در روزهای ابتدایی جنگ با ارتش متجاوز عراق در جبهه جنوب (خوزستان و جنوب ایلام): پس از شدت گرفتن اختلافات ایران و عراق به‌ویژه درگیری‌های مرزی در سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۵۸ و افزایش احتمال عملیات آفندی عراق به داخل خاک ایران در ۱۵ شهریور ماه ۵۹، نیروی زمینی یک طرح عملیاتی پدافندی به نام طرح ابوذر تهیه کرد؛ لشکر ۹۲ زرهی نیز بر مبنای طرح فوق طرح پدافندی حر را تهیه کرد که براساس آن تیپ ۲ زرهی دزفول در منطقه شمالی (محورهای فکه - شوش و شریانی - عین‌خوش و محورهای بیات و چیلان)، تیپ ۳ زرهی در منطقه میانی (محور چزابه - بستان- اهواز) و تیپ ۱ زرهی در منطقه جنوبی (طلاییه تا شلمچه) مسئولیت پدافند در مقابل نیروهای متجاوز را یافتند. نیروهایی از سایر یگان‌های نیروی زمینی نیز برحسب حساسیت مناطق جهت تقویت آنان در این سه محور به کار گرفته شدند.

در ساعت ۱۹ روز ۳۱ شهریور ماه، فشار یگان‌های زرهی لشکر ۳ عراق به‌منظور ورود به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران در منطقه پاسگاه شلمچه متمرکز شد، ولی مقاومت و پایداری رادمردان مستقر در پایگاه که مرکب از عناصری از لشکر ۹۲ زرهی، ژاندارمری و نیروهای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند دشمن را در خیز اولیه ناکام و تا اندازه‌ای نیروهای مهاجم را از حوالی پاسگاه دور کرد.

این مقاومت در سراسر پاسگاه‌های موجود بین کوشک و شلمچه در مقابله با دشمن مجهز به انواع سلاح‌ها، به منصف ظهور رسید. بدیهی

است که این پایداری شجاعانه کاملاً بر خلاف انتظار و تصور نیروهای عراقی بود، زیرا به آنها اینگونه تفهیم شده بود که جز مقاومت مرزی بسیار ضعیف، مانع دیگری در مقابل آنها وجود نخواهد داشت.

همانگونه که ذکر شد نیروهای موجود در پاسگاه‌ها و دژهای مرزی با عناصری از تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تکاوران دریایی تقویت شده که سلاح آنها را تفنگ انفرادی، آر پی جی ۷ و تعدادی معدود تفنگ ۱۰۶م م تشکیل می‌داد. این مقاومت مردانه زیر بنای محکمی بود که ساختار دفاعی سرزمین ایران اسلامی در برابر یورش وحشیانه متجاوزان از همان آغاز، نهاده شد. بدین ترتیب از فردای نخستین روز تجاوز، نیروی زمینی عراق تصمیم گرفت که با حداکثر قدرت رزمی موجود تک همه‌جانبه‌ای را در سراسر مرز، به‌ویژه در منطقه خرمشهر - آبادان به شدت پیگیری کند. لذا ضمن وارد کردن نیروهای مانوری بیشتر، به میزان بمباران هوایی و شدت آتش توپخانه در شهرهای خرمشهر و آبادان اضافه کرد؛ به گونه‌ای که در اثر حجم آتش توپخانه و هوایی دشمن در همان ساعات اولیه بامداد روز دوم نبرد، تنها در خرمشهر ۶۰ نفر شهید و ۱۱۰ نفر مجروح شدند.

فشار نیروهای مانوری دشمن همراه با آتش شدید توپخانه در صبح روز اول مهرماه شدت یافت، با این حال، مقاومت و پایداری نیروهای مدافع بیشتر شده به طوری که در ساعات اولیه به نیروهای مهاجم صدمات سختی وارد شد و یگان پیشرو دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد ولی نیروهای متجاوز بعثی با تکیه بر مقدورات زرهی و توان وسیع پشتیبانی آتش توپخانه، همچنین بمباران‌های پیاپی روی قوای دفاع‌کننده و شهرهای خرمشهر و آبادان، سرانجام در بعدازظهر آن روز، پس از اشغال شلمچه به سوی دژهای واقع در معبر وصولی شلمچه - خرمشهر که به

فاصله سه کیلومتری و به موازات مرز احداث شده بود به پیشروی خود ادامه داده بودند.

با عبور نیروهای عراق از پاسگاه‌های شلمچه آتش توپخانه دشمن روی تاسیسات نفتی و نقاط حساس و همچنین روی دژهایی که در مسیر قرار داشتند شدت یافت. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و توپخانه‌های موجود در منطقه با اجرای بمباران و آتش‌های دوربرد خود گرچه توانستند تلفات نسبتاً زیادی به دشمن وارد ساخته و در نتیجه سرعت عمل او را محدود سازند ولی قادر به جلوگیری از پیشروی دشمن نبودند.

در ساعت ۱۸ روز دوم جنگ، اغلب پاسگاه‌های مرزی در منطقه سقوط کرد اما مقاومت‌های پراکنده وجود داشت. در داخل شهرهای خرمشهر و آبادان، بمباران و آتش توپخانه دشمن همچنان فاجعه‌آفرین بود. نیروهای عراقی پس از عبور از پاسگاه‌های مرزی، با نیروهای محدود مستقر در دژ که در سه کیلومتری نوار مرزی قرار داشت درگیر شدند؛ دفاع مردانه، تا حد آخرین نفر و آخرین گلوله ادامه داشت. سرانجام یگان‌های زرهی متجاوز موفق شدند، دژهای موجود در مسیر را با دادن تلفات نسبتاً زیاد به تصرف درآورند اما میزان استقامت و پایداری رزمندگان ما به حدی بود که پیشروی دشمن مجهز را به سوی خرمشهر تا روز سوم عملیات در همان حوالی دژ متوقف ساخت.

در بامداد روز سوم نبرد، دشمن یگان‌های عمل‌کننده خود را به منظور تصرف خرمشهر از دو محور وارد عمل کرد:

محور یکم از مسیر شلمچه - خرمشهر و محور دوم از مسیر شلمچه - حسینیة - جاده اهواز به طرف خرمشهر (از شمال به جنوب) بود. در

محور یکم نیروهای دشمن با مقاومت سرسختانه در نهر عریض مواجه شدند و موفق به پیشروی نشدند.

محور دوم پس از قطع محور اهواز - خرمشهر در حال پیشروی به طرف شهر در حوالی بندر خرمشهر مورد تهاجم هواپیماهای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. در این حمله هوایی تعدادی از نیروهای دشمن کشته شده و مابقی با به جا گذاشتن ۱۸ دستگاه از ادوات زرهی خود سراسیمه عقب‌نشینی کردند. در این عملیات تعدادی از نیروهای عراقی نیز به اسارت مدافعان خرمشهر درآمدند، اما محور اهواز- خرمشهر همچنان در دست دشمن باقی ماند. دشمن به‌منظور تصرف هرچه سریع‌تر خرمشهر و رسیدن به اهداف خیالی خود (قادسیه صدام و تصرف سه‌روزه خرمشهر) یک تیپ زرهی دیگر وارد منطقه کرد. آتش‌های توپخانه و نیروی هوایی عراق با شدت هرچه بیشتر ادامه داشت.

تلفات نیروهای خودی روزبه‌روز و ساعت به ساعت رو به فزونی می‌گذاشت. این در حالی بود که اعزام نیروهای تقویتی و جایگزینی تلفات در آن شرایط وجود نداشت. خرمشهر از دو طرف شمال (محور اهواز- خرمشهر) و غرب (محور شلمچه -خرمشهر) در محاصره بود و آتش دشمن از سه جهت روی شهر و نیروهای مدافع آن به‌شدت اجرا می‌شد.

مدافعان شهر همچنان زیر آتش سنگین دشمن مقاومت می‌کردند، به‌گونه‌ای که توپ‌های گردان ۱۷۵ م م توپخانه به‌دلیل اجرای زیاد آتش از کار افتاده و گردان‌های ۲۳۲ تانک و ۱۶۵ پیاده زرهی به‌دلیل تلفات زیاد پرسنل و انهدام تجهیزات از حداقل آمادگی رزمی قابل قبول

برخوردار نبودند، لذا تحت فشار دشمن به تدریج به منطقه گمرک خرمشهر عقب‌نشینی کردند. در چنین شرایطی حماسه‌های باورنکردنی قهرمانان ما که شامل پرسنل نیروی زمینی، تکاوران دریایی، نیروهای جان بر کف سپاه و بسیج بودند بارها تکرار و در این راه صدمات و لطمات زیادی به دشمن مهاجم وارد آمد. در یکی از این عملیات که در ساعت ۱۳:۴۰ روز چهارم مهرماه صورت پذیرفت، ضمن وارد شدن تلفات زیاد به دشمن، تعدادی تانک و نفربر از دشمن به غنیمت گرفته شد.

به هر حال در مقابل مانور نیروی مهاجم، فرماندهی عملیات خرمشهر (مستقر در آبادان) با به کارگیری باقیمانده عناصر گردان ۲۳۲ تانک و گردان ۱۵۱، گردان ۱۶۵ مکانیزه و یگان‌های پیاده سبک دانشکده افسری که اخیراً به منطقه وارد شده بودند و تکاوران دریایی و رزمندگان بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توانست آرایش دفاعی خود را در مقابل دو محور تجاوز، شمال و غرب سازماندهی کند.

دشمن به‌منظور تصرف هرچه سریع‌تر خرمشهر، از روز چهارم، فشار همه جانبه خود را در جبهه‌های شمال و غرب خرمشهر افزایش داد. خرمشهر و آبادان از سه طرف غرب، شمال و جنوب زیر آتش سنگین توپخانه و بمباران هوایی عراق قرار داشت. تحت این شرایط نامطلوب که هر لحظه خطر سقوط خرمشهر از سمت شمال وجود داشت، حماسه دیگری را رزمندگان اسلام به منصفه ظهور رساندند، بدین معنا که در تاریکی شب، دلاورانه با آرپی جی ۷ و تفنگ ۱۰۶ میلی متری به دشمن هجوم برده، صدمات زیادی به تانک‌های او وارد آوردند. این عملیات متهورانه و غیرقابل پیش‌بینی علیه دشمن سبب شد که نیروهای عراقی برای مدتی به غرب جاده اهواز- خرمشهر عقب‌نشینی کنند. در این

عقب‌نشینی اجباری تعدادی از جنگ‌افزارها و خودروهای به جا مانده دشمن به غنیمت گرفته شد. بررسی‌های اطلاعاتی بعد از این عملیات نشان می‌دهد که یورش رزمندگان ما به یگان‌های زرهی، آسیب فراوان وارد کرده و باعث تضعیف شدید روحیه خدمه جنگ‌افزارهای عمده از قبیل تانک دشمن شده به‌طوری که به‌منظور کم کردن این ضایعات، فرماندهان عراقی پیشنهاد کرده بودند که نیروهای در خط مقدم، بیشتر با عناصر پیاده تقویت شوند. در همین راستا بود که یک تیپ گارد مرزی وارد معرکه غرب خرمشهر و شمال آن شد.

در منطقه خرمشهر دشمن یورش خود را مجدداً از شمال و غرب این شهر آغاز و از جنوب نیز آتش‌های پشتیبانی را تشدید کرد. مواضع نیروهای ایران در پلیس راه و پادگان دژ زیر ضربات سنگین توپخانه دشمن قرار گرفت. تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی که در جنوب غربی اهواز با یگان‌های لشکر ۵ مکانیزه درگیر شده بود به‌طور کلی متلاشی شد و از دو گردان تانک آن تعداد معدودی بیشتر باقی نماند تا به کمک مدافعان خرمشهر برود. حرکت تانک‌های دشمن به سوی شهر ادامه داشت، آتش توپخانه تمام نقاط حساس و حیاتی شهرهای خرمشهر و آبادان را ویران کرد ولی همچنان مقاومت رزمندگان اسلام در جبهه‌های شمال و غرب در مقابل دشمن کارساز بود.

فشار دشمن از هر طرف سرانجام امکان نفوذ او را به حاشیه شمالی و غربی شهر در دهم مهر ماه فراهم آورد. مدافعان شهر به داخل شهر عقب‌نشینی کرده ولی همچنان با دشمن متجاوز در حال رزم بودند. در نبردی خونین که در ترمینال خرمشهر اتفاق افتاد، مدافعان توانستند دشمن را عقب رانده و تعداد دو نفر را به اسارت بگیرند. با ورود

عراقی‌ها به داخل شهر نبرد تن به تن در کوچه پسکوچه‌های خرمشهر آغاز شد.

در این زمان ستاد مشترک ارتش یک فرماندهی مشترک در خرمشهر تشکیل داد و از این تاریخ تمامی نیروهای مستقر در منطقه در کنترل عملیاتی این فرماندهی مشترک قرار گرفتند. (۱۲ مهرماه ۵۹) درگیری شدید نیروهای مهاجم با رزمندگان مدافع خرمشهر که عمدتاً عناصری از ژاندارمری، تکاوران دریایی، دانشجویان دانشکده افسری، لشکر ۹۲، نیروهای مردمی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران بودند ادامه داشت. یورش‌های شبانه رزمندگان به دشمن متجاوز در کوچه پسکوچه‌های شهر، قرائنی از برنامه دشمن را نشان می‌داد که می‌توانست نشانه تغییر تاکتیک او باشد. بدین ترتیب که در روز چهاردهم مهرماه ضمن حضور نیروهای متجاوز در داخل شهر و درگیری آنان با رزمندگان اسلام، با ایجاد سنگرهایی در شمال محور شلمچه- خرمشهر (دوربند خرمشهر) چنان به‌نظر می‌رسید که دشمن قصد دارد خرمشهر را از شمال و غرب در محاصره گرفته و سقوط آن را با روش دیگری ممکن سازد.

از روز شانزدهم مهرماه مجدداً نیروهای متجاوز عراق تلاش خود را برای تصرف خرمشهر آغاز کردند. گزارش و اطلاعات حاصله حاکی از حضور یگان‌های پل ارتش عراق در منطقه بود که خود بیانگر حرکت جدیدی از سوی ارتش متجاوز را تقریباً مشخص می‌کرد. عبور از رودخانه، کدام رودخانه؟ از طرفی گردان ۱۵۱ دژ ظرف چند روز دفاع، تعداد ۱۲۰ شهید داده، تعدادی نیز مجروح و عده‌ای مفقودالاثراً شده بودند. گردان ۲۳۲ تانک نیز تقریباً متلاشی شده بود و تیپ ۱ همانگونه که قبلاً ذکر شد در مقابله با لشکر ۵ مکانیزه توان خود را از دست داده بود. با وجود کمبودهای یاد شده که گریبانگیر نیروهای مدافع خرمشهر

در مقابل قدرت روزافزون دشمن بود، مدافعان دلاور خرمشهر با کمک قهرمان هوانیروز در ساعت ۱۱ روز ۱۸ مهرماه ۵۹ توانستند با تهاجمی برق‌آسا، تعدادی از تجهیزات رزمی و مهندسی دشمن را منهدم کنند و ۹ نفر از آنها را به اسارت درآورند.

هوانیروز در بعد از ظهر همان روز تک غافلگیرانه‌ای را مجدداً آغاز کرد و موفق شد تعداد ۱۰ نفر دیگر از مزدوران را دستگیر کند. ضربات ایذایی هوانیروز و هجوم‌های شبانه رزمندگان و تلفاتی که به نیروهای مهاجم وارد می‌شد، هوای تصرف سه روزه خرمشهر را از سر فرماندهان عراقی بیرون کرد. آنان تصمیم به قطع تمام خطوط مواصلاتی به خرمشهر و آبادان گرفتند تا ضمن جلوگیری از تلفات و ضایعات زیاد، با یک تیر دو نشان زده باشند؛ یعنی با تصرف آبادان هم زمینه سقوط خرمشهر را فراهم کنند و هم بر اروندرود مسلط شوند.

فشار دشمن روزه‌روز و ساعت به ساعت افزایش می‌یافت. تنها در روز ۲۵ مهر نیروی دریایی، تعداد ۱۹۵ را شهید اعلام کرد. عناصر معدودی از تکاوران، نیروهای مردمی و تعدادی از دانشجویان دانشکده افسری با جنگ‌افزار سبک آر پی جی ۷ با تانک‌های دشمن مقابله می‌کردند. دشمن سراسر خرمشهر و آبادان و مواضع نیروهای مدافع را زیر آتش سنگین قرار داده بود، گرچه بسیاری از تحلیل‌گران ۲۶ مهر را روز سقوط خرمشهر پیش‌بینی کرده بودند ولی رزمندگان دلاور این سرزمین مقدس همچنان در مقابل متجاوز، سلحشورانه به دفاع پرداخته و سرسختانه مقاومت می‌کردند و یورش‌های شبانه رزمندگان، آرامش را از دشمن

سلب کرده بود. حقیقتاً قلم از توصیف مدت ۳۴ روز مقاومت این
رزمندگان از جان گذشته میان خون و آتش عاجز است.^{۲۷}

^{۲۷} - ۲۰۹۳۷۹/ details/ http://hamshahrionline.ir همشهری آنلاین

روزشمار مقاومت خونین شهر

روز نخست ۳۱ / ۶ / ۱۳۵۹:

حملات هوایی عراق، به خاک و خون کشیده شدن مردم مظلوم و بی‌دفاع، هجوم به پاسگاه‌های مرزی، جاده شلمچه، جاده خرمشهر - اهواز و حاشیه رودخانه کارون.

روز دوم: ۱ / ۷ / ۱۳۵۹:

تلاش دشمن برای اشغال پاسگاه‌های مرزی (اشغال پاسگاه شلمچه و حدود) پیشروی به سوی جاده خرمشهر - اهواز، بمباران اسکله شماره ۷ خرمشهر.

روز سوم ۲ / ۷ / ۱۳۵۹:

بمباران هوایی، آتش شدید توپ‌ها و تانک‌های دشمن، حرکت کماندوهای عراقی در جاده شلمچه به سمت پل نو، پیشروی نیروهای زرهی از شمال سیل‌بند عرایض به سمت جاده خرمشهر - اهواز.

روز چهارم ۳ / ۷ / ۱۳۵۹:

ورود دشمن به خرمشهر از سه محور:

۱. شمالی (جاده خرمشهر - اهواز)

۲. شمال غربی (حد فاصل جاده اهواز - شلمچه)

۳. غربی (جاده شلمچه)

تشدید آتش بر پادگان دژ، تخلیه مهمات و اسلحه از آن، محاصره پادگان توسط تانک‌های عراقی.

درگیری در نهر عرایض و پل نو

توقف گردان ۱۶۵ پیاده زرهی، تخلیه دژها

حمله حدود ۱۵ فروند میگ عراقی به خرمشهر

تخریب بخشی از بیمارستان مصدق

روز پنجم ۱۳۵۹ / ۷ / ۴ :

هجوم ارتش عراق از محور شمالی تا نزدیک پادگان دژ و از محور غربی تا پشت صد دستگاه.

روز ششم ۱۳۵۹ / ۷ / ۵ :

تلاش دوباره ارتش عراق برای ورود به خرمشهر، ناکامی دشمن در اشغال خرمشهر.

روز هفتم ۱۳۵۹ / ۷ / ۶ :

پیشروی نیروهای پیاده، مکانیزه و زرهی دشمن از غرب تا شمال خرمشهر (از نزدیکی اروندرود تا نزدیکی رود کارون)

روز هشتم ۱۳۵۹ / ۷ / ۷ :

آتش سنگین دشمن بر محورهای پل نو، پلیس راه، پادگان دژ، حرکت نیروهای زرهی دشمن از شمال به سوی دوربند، حمله دشمن به ساختمان‌های پیش ساخته.

روز نهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۸ :

هجوم دشمن از سه محور :

۱- بندر (محور غربی)

۲- دوربند (محور مرکزی)

۳- پلیس راه (محور شمالی)

پادگان دژ زیر آتش توپخانه دشمن

پاسخ امام خمینی (ره) به پیشنهاد صدام

روز دهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۹ :

نخستین هجوم دشمن به بندر و گمرک، پیشروی دشمن در جاده شلمچه تا کشتارگاه، پیشروی دشمن به سمت جاده خرمشهر - اهواز، پادگان دژ، رودخانه کارون، پلیس راه، بمباران هوایی عراق بر خرمشهر

روز یازدهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۰ :

هجوم دشمن از دو محور :

۱- بندر (گمرک)

۲ - دوربند - کشتارگاه - راه آهن

حمله دشمن از منطقه دوربند، تصرف پلیس راه، عقب نشینی دشمن، درگیری در خانه‌های پیش ساخته.

موضع گرفتن نیروهای زرهی، مکانیزه و پیاده از کشتارگاه تا صد دستگاه، آتش سنگین در فلکه راه آهن، درگیری با دشمن در کشتارگاه. حمله به مدرسه دریابدرسای، به خاک و خون کشیدن نیروهای مدافع خرمشهر.

روز دوازدهم ۱۳۵۹/۷/۱۱ :

محاصره خرمشهر از ارونند تا کارون، تلاش برای اشغال خرمشهر، پیشروی در محور بندر، تصرف مسجدی در محدوده بندر، حرکت به سوی پادگان دژ، عبور از کارون.

روز سیزدهم ۱۳۵۹/۷/۱۲ :

ادامه تلاش دشمن برای تصرف خرمشهر، شبیخون تکاوران عراقی به پادگان دژ، سر بردن افسر حاضر در پادگان، انتقال توپخانه از شمال خرمشهر به شرق کارون به کمک سروان اسفندیاری.

روز چهاردهم ۱۳۵۹/۷/۱۳ :

هجوم دشمن از سه محور:

۱- جنوبی (بندر)

۲ - مرکزی (جاده شلمچه)

۳ - شمالی (پلیس راه)

پیشروی دشمن در محور بندر تا ساختمان هماهنگی بندر (سی.بی.اس)،
پیشروی تا نزدیکی های پادگان دژ.

بمباران و آتش توپخانه دشمن بر خرمشهر.

روز پانزدهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۴ :

درگیری با دشمن در کوی بندر و عقب راندن آنان از ساختمان هماهنگی
بندر (سی.بی.اس).

روز شانزدهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۵ :

پیشروی دشمن در محور بند، اشغال ساختمان هماهنگی بندر (سی.بی.
اس)، پیشروی در محور جاده شلمچه

روز هفدهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۶ :

پیشروی دشمن در سه محور بندر، جاده شلمچه و خانه های پیش ساخته

روز هجدهم ۱۳۵۹ / ۷ / ۱۷ :

ادامه پیشروی دشمن در سه محور: بندر، جاده شلمچه و خانه های
پیش ساخته

حرکت دشمن به سمت پادگان دژ، بمباران پادگان دژ

درگیری شدید در بندر به ویژه اطراف مسجد، تصرف مسجد بندر

روز نوزدهم ۱۸ / ۷ / ۱۳۵۹ :

درگیری نیروهای مدافع با دشمن در حوالی دوربند در محور شلمچه -
خرمشهر و شمال پادگان دژ

روز بیستم ۱۹ / ۷ / ۱۳۵۹ :

ساخت پل دشمن در منطقه مارد بر رودخانه کارون و گذر از آن

روز بیست و یکم ۲۰ / ۷ / ۱۳۵۹ :

پیشروی دشمن در محور بندر.

روز بیست و دوم ۲۱ / ۷ / ۱۳۵۹ :

درگیری در کشتارگاه، پادگان دژ، گمرک

اشغال بخش غربی شهر: پلیس راه، ساختمان‌های پیش ساخته تا ایستگاه
راه آهن، ورود نخستین ستون نیروهای عراقی به کوی طالقانی

سقوط بندر، میدان کشتارگاه، میدان راه آهن (جانباز)

روز بیست و سوم ۲۲ / ۷ / ۱۳۵۹ :

پیشروی دشمن از سه محور راه آهن، پلیس راه و گمرک، شیخون
کماندوهای عراقی به پادگان دژ.

روز بیست و چهارم ۲۳ / ۷ / ۱۳۵۹ :

محاصره پلیس راه توسط تانک‌های دشمن، ورود تکاوران و
کماندوهای عراقی به کوی طالقانی، تشدید تهاجم دشمن در کوی
طالقانی و تسلط بر بخش اعظم آن.

اشغال پادگان دژ، پیشروی دشمن به سوی خیابان کمربندی
اشغال بندر، اداره بندر، گمرک و راه آهن

روز بیست و پنجم ۱۳۵۹ / ۷ / ۲۴ :

اشغال پلیس راه، ادامه درگیری‌ها در کوی طالقانی، کوی بندر، استادیوم
ورزشی و بخشی از جاده کمربندی

درگیری در خیابان ۴۰ متری

روز بیست و ششم ۱۳۵۹ / ۷ / ۲۵ :

ادامه نبرد خیابانی در جاده کمربندی، کوی طالقانی و اداره بندر.

روز بیست و هفتم ۱۳۵۹ / ۷ / ۲۶ :

افزایش تلاش‌های دشمن برای اشغال خرمشهر، ادامه جنگ خانه به خانه
و کوچه به کوچه در خرمشهر.

روز بیست و هشتم ۱۳۵۹ / ۷ / ۲۷ :

پیشروی نیروهای متجاوز به فلکه آتش‌نشانی، خیابان‌های اطراف گل
فروشی، خیابان آرش و عشایر.

بمباران هوایی خرمشهر.

روز بیست و نهم ۲۸ / ۷ / ۱۳۵۹ :

ادامه نبردهای خیابانی، زیر آتش قرار گرفتن مسجد جامع

روز سیام ۲۹ / ۷ / ۱۳۵۹ :

ادامه نبردهای خیابانی، هجوم دشمن به خانه‌های خیابان آرش

روز سی و یکم ۳۰ / ۷ / ۱۳۵۹ :

حملات شدید توپخانه و موشک بر خرمشهر، آتش سوزی بازار

روز سی و دوم ۱ / ۸ / ۱۳۵۹ :

ادامه نبرد خانه به خانه و کوچه به کوچه

روز سی و سوم ۲ / ۸ / ۱۳۵۹ :

تشدید حملات دشمن در خیابان‌های آرش و عشایر حرکت یگان‌های
زرهی دشمن از خیابان عشایر به سوی فلکه فرمانداری

حمله دشمن به ساختمان فرمانداری و ساختمان‌های مجاور، زیر آتش
گرفتن مواضع به ویژه پل خرمشهر

تسلط یگان‌های پیاده و زرهی عراق بر انتهای شمالی پل خرمشهر و
قطع ارتباط بین رزمندگان داخل شهر با نیروهای پشتیبان در جزیره آبادان

روز سی و چهارم ۳ / ۸ / ۱۳۵۹ :

تسلط دشمن بر ساختمان فرمانداری و پل خرمشهر

اشغال خرمشهر

صدور دستور عقب‌نشینی از شهر^{۲۸}

^{۲۸} <http://www.tabnak.ir/fa/news/۲۴۶۱۵۷> /سایت خبری تحلیلی تابناک

عملیات بیت المقدس (فتح خرمشهر)

در حالی که اشغال خرمشهر توسط عراق به عنوان آخرین و مهم‌ترین برگ برنده این کشور برای وادار ساختن ایران به شرکت در هر گونه مذاکرات صلح تلقی می‌شد، آزاد سازی این شهر می‌توانست سمبل تحمیل اراده سیاسی جمهوری اسلامی بر متجاوز و اثبات برتری نظامی‌اش باشد.

بر همین اساس، با توجه به این که منطقه عمومی غرب کارون آخرین منطقه مهمی بود که هم چنان در اشغال عراق قرار داشت، از یک سو فرماندهان نظامی ایران برای انجام عملیات در این منطقه اشتراک نظر داشتند.

از سوی دیگر عراق نیز که طراحی عملیات آزادسازی خرمشهر را پس از عملیات فتح المبین قطعی و مسجل می‌پنداشت، با در نظر گرفتن اهمیت این شهر و جایگاه آن در دفاع از بصره، به ضرورت حفظ این منطقه معتقد بود.

از این رو، بلافاصله پس از اتمام عملیات فتح المبین، در حالی که قوای ارتش عراق در منطقه عمومی خرمشهر تقویت می‌شد، به تمام یگان‌های تحت امر قرارگاه مرکزی کربلا دستور داده شد تا ضمن بازسازی و تجدید قوا، به شناسایی و طراحی عملیات بپردازند.

اهداف عملیات

مهم‌ترین اهدافی که در این عملیات دنبال می‌شد، عبارت بودند از:

- انهدام نیروی دشمن، حداقل بیش از دو لشکر.

- آزاد سازی حدود ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران؛ از جمله شهرهای خرمشهر، هویزه و پادگان حمید.
- خارج نمودن شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از برد توپخانه دشمن.
- تامین مرز بین المللی (حداصل پاسگاه طلایه تا شلمچه).
- آزادسازی جاده اهواز - خرمشهر و خارج شدن جاده اهواز - آبادان از برد توپخانه دشمن.

منطقه عملیات

منطقه عمومی عملیات بیت المقدس در میان چهار مانع طبیعی محصور است، که از شمال به رودخانه کرخه کور، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هور الهویزه منتهی می شود.

منطقه مزبور به جز جاده نسبتاً مرتفع اهواز - خرمشهر، فاقد هر گونه عارضه مهم برای پدافند است. همین امر موجب شد تا زمین منطقه - به دلیل مسطح بودن - برای مانور زرهی مناسب، و برای حرکت نیروهای پیاده - به دلیل در دید و تیر قرار داشتن - نامناسب باشد. نقاط حساس و استراتژیک منطقه شامل بندر و شهر خرمشهر، پادگان حمید، جفیر، جاده آسفالت اهواز - خرمشهر، شهر هویزه و رودخانه های کارون، کرخه کور و اروند بود.

فتح خرمشهر، یکی از نتایج بزرگ عملیات بیت المقدس بود، ولی تنها نتیجه آن نبود. در این نبرد که یکی از مهم ترین و گسترده ترین عملیات ها در دوران جنگ تحمیلی است، حدود ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک کشور

که در جنوب استان خوزستان به اشغال صدامیان درآمده بود، آزاد شد. این وسعت، چندین برابر مساحت چند کشور همجوار ایران است که دشمن در آن با حداکثر توان نظامی خود؛ یعنی با شش لشکر شامل سه لشکر زرهی، یک لشکر مکانیزه و دو لشکر پیاده و ده تیپ مستقل پدافند می کرد و با استفاده از ۱۴۰۰ دستگاه تانک، ۱۲۰۰ دستگاه نفربر زرهی و بیش از پانصد عراده توپخانه صحرایی و حدود هشتاد هزار نیروی نظامی، این منطقه را در کنترل خود داشت.

استعداد دشمن

تا قبل از آغاز عملیات بیت المقدس، استعداد نیروهای دشمن به ترتیب زیر بود:

- لشکر ۶ زرهی؛ از جنوب رودخانه کرخه تا هویزه.
- لشکر ۵ مکانیزه؛ از غرب اهواز تا روستای سید عبود.
- لشکر ۱۱ پیاده از سید عبود تا خرمشهر - تیپ های ۲۲، ۴۸، ۴۴ مامور حفاظت از خرمشهر بودند.
- لشکر ۳ زرهی در شمال خرمشهر.

با شروع عملیات نیز یگان های دیگری از ارتش عراق به منطقه اعزام شدند که در مجموع تمامی یگان هایی که در منطقه درگیری حضور یافتند، عبارت بودند از:

- لشکر ۵ مکانیزه؛ شامل: تیپ های ۲۶ و ۵۵ زرهی و تیپ های ۱۵ و ۲۰ مکانیزه.

- لشکر ۶ زرهی؛ شامل: تیپ های ۱۶ و ۳۰ زرهی و تیپ ۲۵ مکانیزه.
- لشکر ۳ زرهی؛ شامل: تیپ های ۶، ۱۲ و ۵۳ زرهی و تیپ ۸ مکانیزه.
- لشکر ۹ زرهی؛ شامل: تیپ های ۳۵ و ۴۳ زرهی و تیپ ۱۴ مکانیزه.
- لشکر ۱۰ زرهی؛ شامل: تیپ های ۱۷ زرهی و ۲۴ مکانیزه.
- لشکر ۱۱ پیاده؛ شامل: سه تیپ سازمان ۴۴، ۴۸ و ۴۹ پیاده و سه تیپ تحت امر ۴۵، ۱۱۳ و ۲۲ پیاده.
- لشکر ۱۲ زرهی؛ شامل: تیپ های ۴۶ مکانیزه و ۳۷ زرهی.
- لشکر ۷ پیاده؛ شامل: تیپ های ۱۹ و ۳۹ پیاده.
- تیپ مستقل ۱۰ زرهی.
- تیپ های مستقل ۱۰۹، ۱۱۹، ۱۱۶، ۹۰، ۱۱۷، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۰۶، ۴۰۹، ۲۳۸ و ۵۰۱ پیاده.
- تیپ های ۳۱، ۳۲ و ۳۳ نیروی مخصوص.
- تیپ های ۹، ۱۰ و ۲۰ گارد مرزی.
- تعداد ۳۰ گروهان کماندو.
- تعداد ۱۰ قاطع جیش الشعبی (هر قاطع ۴۵۰ نفر).

- گردان تانک مستقل سیف سعد.
- گردان های شناسایی حطین، صلاح الدین، حنین.
- توپخانه دشمن نیز از ۵۳۰ قبضه توپ در انواع مختلف تشکیل شده بود که به طور تقریبی عبارت بود از ۳۰ گردان .

طرح عملیات

در طراحی عملیات، تهاجم از طریق عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سوی مرز بین المللی و سپس آزادسازی شهر خرمشهر مد نظر قرار گرفته و چنین استدلال می شود که حمله به جناح دشمن، که عمدتاً به سمت شمال آرایش گرفته بود، عامل موفقیت عملیات است.

هم چنین، شکستن خطوط اولیه دشمن و عبور از رودخانه و گرفتن سرپل در غرب کارون تا جاده آسفalte اهواز - خرمشهر به عنوان اهداف مرحله اول و ادامه پیشروی به سمت مرز و تامین خرمشهر به عنوان اهداف مرحله دوم تعیین شدند.

بر همین اساس، محورهای عملیاتی هر یک از قرارگاه ها به ترتیب زیر مقرر گردید:

- ۱-محور شمالی؛ قرارگاه قدس (با عبور از رودخانه کرخه)
- ۲- محور میانی؛ قرارگاه فتح (با عبور از رودخانه کارون و پیشروی به سمت جاده اهواز - خرمشهر)

۳- محور جنوبی؛ قرارگاه نصر (با عبور از کارون و پیشروی به سمت خرمشهر)

شرح عملیات

سرانجام عملیات بیت المقدس در ۳۰ دقیقه بامداد روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ با قرائت رمز عملیات بسم الله الرحمن الرحيم . بسم الله القاسم الجبارین، یا علی ابن ابی طالب از سوی فرماندهی آغاز شد.

شهید آیت الله صدوقی و آیت الله مشکینی نیز که در کنار فرماندهان سپاه و ارتش در قرارگاه کربلا حضور داشتند، هر یک به طور جداگانه، پیام‌هایی را به وسیله بی‌سیم خطاب به رزمندگان اسلام قرائت کردند.

عملیات بیت المقدس را به چهار دوره زمانی به شرح زیر می‌توان تقسیم کرد:

مرحله اول

در محور قرارگاه قدس (شمال کرخه کور) به دلیل هوشیاری دشمن و وجود استحکامات متعدد، پیشروی نیروها به سختی امکان پذیر بود و در این میان تنها تیپ‌های ۴۳ بیت المقدس و ۴۱ ثارالله موفق شدند از مواضع دشمن عبور کرده و منطقه‌ای در جنوب رودخانه کرخه کور را به عنوان سرپل تصرف کنند. عدم پوشش جناحین این یگان‌ها باعث شده بود که فشار شدید دشمن بر آن‌ها وارد شود.

در محور قرارگاه فتح، یگان‌های خودی ضمن عبور از رودخانه به سرعت خود را به جاده اهواز-خرمشهر رسانده و به ایجاد استحکامات و جلوگیری از نقل و انتقالات و تحرکات دشمن درجاده مذکور پرداختند.

در محور قرارگاه نصر، به دلیل تاخیر در حرکت و وجود با تلاق در کنار جاده اهواز - خرمشهر و هم چنین تمرکز دشمن در شمال خرمشهر، نیروهای این قرارگاه نتوانستند به اهداف مورد نظر دست یافته و با قرارگاه فتح الحاق کنند.

الحاق کامل قرارگاه نصر با قرارگاه فتح و هم چنین تصرف اهداف مرحله اول قرارگاه قدس در دستور کار عملیات شب دوم قرار گرفت که با انجام آن تا حدودی اهداف مورد نظر محقق شد، لیکن برخی رخنه ها همچنان باقی بود تا این که سرانجام پس از ۵ روز، جاده اهواز - خرمشهر از کیلومتر ۶۸ تا کیلومتر ۱۰۳ تثبیت و کلیه رخنه ها ترمیم شد.

مرحله دوم

در این مرحله آزاد سازی خرمشهر از دستور کار عملیات خارج و تصمیم گرفته شد که قرارگاه های فتح و نصر از جاده اهواز - خرمشهر به سمت مرز پیشروی کنند و قرارگاه قدس نیز ماموریت یافت تا به صورت محدود برای تصرف سرپل در جنوب کرخه کور اقدام نماید و سپس آن را گسترش دهد.

عملیات در این مرحله در ساعت ۲۲:۳۰ روز ۱۳۶۱/۲/۱۶ آغاز شد. نیروهای قرارگاه فتح در همان ساعات اولیه به جاده مرزی رسیدند. یگان های قرارگاه نصر نیز با اندکی تاخیر و تحمل فشارهای دشمن، به مرز رسیده و با قرارگاه فتح الحاق کردند.

دشمن با مشاهده جهت پیشروی نیروهای ایران به طرف مرز، لشکرهای ۵ و ۶ خود را به عقب کشاند. به نظر می رسید این عقب نشینی با دو هدف انجام شده باشد: یکی جلوگیری از محاصره و انهدام این لشکرها، و دیگری تقویت هر چه بیشتر خطوط پدافندی بصره و خرمشهر.

در پی این عقب نشینی که از ساعات اولیه روز ۱۳۶۱/۲/۱۸ آغاز شده بود، نیروهای قرارگاه قدس ضمن تعقیب نیروهای دشمن، تعدادی از آن ها را که از قافله عقب مانده بودند، به اسارت خود درآوردند و در نتیجه جاده اهواز - خرمشهر (تا انتهای جنوب منطقه ای که توسط قرارگاه نصر به عنوان سرپل تصرف شده بود) و نیز مناطقی همچون جعفر، پادگان حمید و هویزه آزاد شدند.

مرحله سوم

در این مرحله، قرارگاه نصر مأموریت یافت تا حرکت خود را به سمت خرمشهر آغاز نماید. نیروهای عمل کننده که متشکل از چهار تیپ مستقل سپاه پاسداران و دو تیپ ارتش بودند، در آخرین ساعات روز ۱۳۶۱/۲/۱۹ عملیات خود را آغاز کردند؛ اما به دلیل هو شکاری دشمن و تمرکز نیرو در خطوط پدافندی اش، نیروهای خودی در انجام مأموریت خود توفیق نیافتند. تکرار این عملیات در روز بعد نیز به شکست انجامید. به همین خاطر تصمیم گرفته شد تا برای انجام عملیات نهایی فرصت بیشتری به یگان ها داده شود. هم چنین مقرر شد دو تیپ المهدی (عج) و امام سجاد (ع) از قرارگاه فجر نیز در حرکت بعدی استفاده شود.

مرحله چهارم عملیات از ۱۴ خرداد

سرانجام در ساعت ۲۲:۳۰ اول خرداد ۱۳۶۱ تلاش برای آزادی سازی خرمشهر با رمز «بسم الله القاسم الجبارین یا محمد بن عبدالله (ع)» آغاز شد در برابر تک سریع و غافلگیرانه، نیروهای عراقی دچار وحشت و سرگردانی شدید شدند و نتوانستند واکنش مهمی از خود نشان دهند و ارتباط یگان های دشمن با یکدیگر قطع شد. فرار افسران و درجه داران

و سربازان عراقی از منطقه خرمشهرگویای از هم پاشیدگی سازمان یگان های دشمن بود.

در روز دوم خرداد نتیجه پیکار بسیار درخشان بود و قرارگاه کربلا به هدف خود که احاطه کامل خرمشهر بود، رسید. تعداد اسرای عراقی در این روز از ۲۸۳۰ نفر تجاوز کرد و یگان هایی از دشمن که در منطقه بین نهر عریض و شلمچه مستقر بودند، به میزان زیاد منهدم شدند.

به وجود حضور گسترده هواپیماهای عراقی در آسمان منطقه، عقابان تیزپرواز نیروی هوایی ارتش در پشتیبانی از یگان های رزمنده، در صحنه عملیات بیت المقدس حضوری فعال داشتند و با بمباران پل شناور عراقی ها بر روی شط العرب و مناطق تجمع آنان در آن سوی رودخانه، نقش ارزنده ای در آزاد سازی خرمشهر ایفا کردند.

در اواخر روز دوم خرداد، قرارگاه کربلا پس از بررسی آخرین وضعیت، تصمیم گرفت تا نیروها با ورود به شهر، آنرا از لوث وجود نیروهای عراقی پاک گردانند. در سه بامداد روز سوم خرداد واحدهایی از رزمندگان ایران به آن سوی رودخانه وارد شدند.

از طرف دیگر جمعی از نیروهای عراقی با استفاده از تاریکی شب و قایق اقدام به فرار کردند که تعدادی از این قایق ها توسط تکاوران نیروی دریایی هدف قرار گرفت و سرنشینان آن ها غرق شدند.

نیروهای عراقی از ساعت سه و پنجاه دقیقه بامداد تا نیم بعد از ظهر روز سوم خرداد از سمت شلمچه ۳ بار اقدام به پاتک کردند و تلاش نمودند تا از طریق جاده شلمچه - خرمشهر حلقه محاصره خرمشهر را بشکنند،

اما هر بار با پایداری و مقاومت دلاورانه رزمندگان ایرانی مواجه شدند و با دادن خساراتی عقب نشینی کردند.

در ساعت ۱۱ صبح روز سوم خرداد در حالی که درگیری شدیدی بین قوای ایرانی و نیروهای عراقی در شمال نهر خین جریان داشت و دشمن در فکر شکستن حلقه محاصره خرمشهر بود، رزمندگان ایرانی از جناح غرب و خیابان کشتارگاه وارد شهر شدند. ناحیه گمرک خرمشهر در کنار اروند اندکی مقاومت کرد که آن هم به سرعت در هم شکسته شد.

در ساعت ۱۲ قوای ایران از سمت شمال و شرق وارد شهر شدند و نیروهای متجاوز بعثی که ۲۴ ساعت در محاصره کامل قرار داشتند، راهی جز اسارت یا فرار و یا کشته شدن نداشتند. بدین جهت واحدهای عراقی گروه گروه به اسارت رزمندگان اسلام در آمدند.

در ساعت ۲ بعد از ظهر، خرمشهر به طور کامل آزاد شد و پرچم پر افتخار جمهوری اسلامی ایران بر فراز «مسجد جامع» و پل تخریب شده خرمشهر به اهتزاز درآمد.

بدین ترتیب این شهر مقاوم که پس از ۳۵ روز پایداری و مقاومت در ۴ آبان ۱۳۵۹ به اشغال دشمن درآمده بود، پس از ۵۷۸ روز (۱۹ ماه) اسارت، بار دیگر به آغوش گرم میهن اسلامی بازگشت و پیکره پاک آن از لوٹ وجود متجاوزان تطهیر گردید.

رزمندگان اسلام در اولین اقدام خود پس از آزاد سازی شهر، نماز شکر را در مسجد جامع خرمشهر اقامه کردند. خبر آزاد سازی خرمشهر به سرعت در همه جا طنین افکند و ملت ایران اسلامی را که مدت ها در آرزوی شنیدن چنین خبر مسرت بخشی بودند، غرق در شادی و سرور

کرد. مردم به خیابان ها ریختند و با پخش شیرینی به جشن و شادی پرداختند. در پایان آن روز امت شهید پرور ایران با حضور در مساجد، نماز شکر به جای آورده و با فرا رسیدن شب به یمن پیروزی حق بر باطل بر پشت بام ها ندای الله اکبر سردادند.

نتایج

- طی عملیات بیت المقدس ۵۰۳۸ کیلومتر مربع از اراضی اشغال شده از جمله شهرهای خرمشهر و هویزه و نیز پادگان حمید و جاده اهواز - خرمشهر آزاد شدند. علاوه بر این شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از تیررس توپخانه دشمن خارج گردیدند. هم چنین ۱۸۰ کیلومتر از خط مرزی تامین شد.
 - با فتح خرمشهر، برتری نظامی ایران بر عراق مورد تایید کارشناسان و تحلیل گران نظامی قرار گرفت.
 - فتح خرمشهر موجب انفعال ارتش عراق شد؛ به گونه ای که نظامیان عراقی تا مدت زیادی نتوانستند از لاک دفاعی خارج شوند.
 - عملیات بیت المقدس موجب شد تا کشورهای عرب منطقه به تقویت مالی و نظامی عراق مبادرت ورزند.
 - طی این عملیات حدود نوزده هزار تن از نیروهای دشمن به اسارت درآمده و بالغ بر شانزده هزار تن کشته و زخمی شدند.
- میزان انهدام یگانهای دشمن
- لشگر ۳ زرهی و لشگرهای ۱۱ و ۱۵ پیاده: ۸۰ درصد.

- لشگرهای ۹ و ۱۰ زرهی: ۵۰ درصد.
 - لشگر ۷ پیاده: ۴۰ درصد.
 - لشگر ۵ مکانیزه و لشگرهای ۶ و ۱۲ زرهی: ۲۰ درصد.
 - تیپ های ۹، ۱۰ و ۲۰ گارد مرزی: ۱۰۰ درصد.
 - تیپ ۱۰۹ پیاده: ۶۰ درصد.
 - تیپ های ۶۰۱، ۶۰۲، ۴۱۶، ۴۱۹ پیاده: ۵۰ درصد.
 - تیپ های ۳۱، ۳۲ و ۳۳ نیروهای مخصوص به میزان زیاد.
- طرح ریزی و اجرای عملیات بیت المقدس در فضایی کاملاً متفاوت با عملیات های پیشین انجام گرفت. نخست آنکه دشمن درباره منطقه عملیات هوشیار بود زیرا تنها منطقه ای که در جنوب همچنان در اشغال دشمن قرار داشت، منطقه غرب رودخانه کارون بود و طبیعی به نظر می رسید که قوای نظامی ایران این منطقه را برای عملیات انتخاب کنند. بنابراین امکان غافلگیری دشمن درباره مکان عملیات وجود نداشت.
- عملیات بیت المقدس در موقعیتی کاملاً حساس طرح ریزی شد. تدبیر فرماندهان سپاه این بود که تلاش اصلی عملیات باید در عبور از رودخانه کارون و تصرف سرپلی بزرگ متمرکز شود. حال آنکه فرماندهان ارتش بر اساس تفکر کلاسیک، همانند عملیات قبلی (هویزه در ۵۹/۱۰/۱۵) در این منطقه، بر این نظر بودند که تلاش اصلی باید با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر انجام شود. متعاقب بحث ها و بررسی های طولانی، سرانجام بر اساس نظر سپاه عملیات در ساعت ۳ بامداد دهم اردیبهشت

۱۳۶۱ آغاز و در چهار مرحله اجرا شد و به پیروزی رسید. در این عملیات ۱۹۰۰۰ تن از نیروهای دشمن به اسارت قوای ایران درآمدند.

فتح خرمشهر صرف‌نظر از بازتاب و نتایج سیاسی آن، از بعد نظامی بسیار حائز اهمیت بود. عوامل مؤثر در پیروزی ایران علاوه بر استراتژی برتر، اجرای تاکتیک ویژه عملیات عبور از رودخانه کارون و افزایش توان رزمی سپاه بود. در این عملیات سپاه ۱۰۰ تا ۱۲۰ گردان نیرو در قالب تیپ (ولی با استعداد لشکر) وارد عملیات کرد که در مقایسه با عملیات ثامن‌الائمه، تنها در فاصله ۹ ماه، توان رزمی سپاه نزدیک به ۱۰ برابر رشد و افزایش را نشان می‌دهد. در واقع گرچه سپاه به عنوان یک نهاد انقلابی به تناسب ضرورت‌های انقلاب متولد شد ولی "در خوزستان و در لابلای حوادث جنگ تحمیلی به رشد و بالندگی رسید" و موقعیت آن تثبیت شد.

خرمشهر در روند تحولات جنگ تحمیلی به عنوان نماد و مظهر "مقاومت سرسختانه ایران و پیروزی بر عراق" به‌شمار می‌رفت. به همین دلیل عملیات بیت‌المقدس و نتایج آن می‌توانست سرنوشت جنگ و موقعیت سیاسی رژیم عراق را مشخص نماید. مواضع و استحکامات عراق در خرمشهر و آمادگی برای مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام، این امیدواری را برای حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق به وجود آورده بود که عراق با حفظ خرمشهر و با ایجاد تأخیر در آزادسازی آن، ضمن فرسایش توان نظامی ایران، فرصت لازم را برای آمادگی ارتش عراق جهت مقابله با وضعیت جدید فراهم خواهد ساخت.

سرعت عمل قوای نظامی ایران با اتکا به تاکتیک ویژه عملیات عبور از رودخانه کارون و سقوط مواضع عراق و آزادسازی زودهنگام خرمشهر،

نه تنها تمامی امیدهای حامیان عراق را بر باد داد، بلکه دامنه نگرانی و اضطراب آنها را درباره سرنوشت سیاسی رژیم صدام و آینده منطقه گسترش داد. روزنامه آلمانی دویچه سایتونگ طی تحلیلی در این باره نوشت:

خطر پیروزی ایران و در نتیجه درهم ریختن عراق، نظام‌های حاکم منطقه را پس از سقوط رژیم بعثی بغداد، تهدید می‌کند و احتمال مداخله ابرقدرت‌ها را نیز به‌دنبال دارد.»

از نظر نظامی اجرای چهار عملیات پیروز طی ۸ ماه نشان دهنده تجدید قوای نظامی ایران بود. متقابلاً ناتوانی عراق برای دفاع از مواضع و استحکامات خود، به منزله از میان رفتن توان نظامی این کشور و در نتیجه سقوط احتمالی رژیم عراق ارزیابی می‌شد.

از بُعد سیاسی، در واقع عراق با از دست دادن خرمشهر تکیه‌گاهش را برای مذاکره از دست داد. به عبارت دیگر، خرمشهر برای عراق "برگ برنده‌ای" محسوب می‌شد که با آزادسازی آن به دست رزمندگان اسلام و "عقب‌نشینی تحقیرآمیز" و مفتضحانه ارتش دشمن، رژیم عراق به نقطه پایان نزدیک می‌شد.

روزنامه لوموند با توجه به روند تحولات جنگ که به بن‌بست رسیده بود و بی‌ثباتی داخل کشور با فرار بنی‌صدر به پاریس، موقعیت جدید ایران و این پیروزی‌ها را از زاویه دیگری بررسی کرد و نوشت: «جنگ به رژیم ایران اجازه داد که ضمن برقراری مجدد اتحاد مقدس، به پاسداران، بازوی نیرومند انقلاب اسلامی و عمده‌ترین نیروهای نظامی کشور، اهمیت خاصی داده شود و جناح‌های مختلف "لیبرال" و "چپی"

تصفیه شوند و این خود نشانه یکی از عمده‌ترین پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران در مقابل رژیم بعثی بغداد بود.»

در واقع تثبیت اوضاع داخلی و مهار بحران و بی‌ثباتی سیاسی، منشأ دستیابی به پیروزی نظامی بود و متقابلاً این پیروزی‌ها روند تثبیت اوضاع داخلی را تسریع کرد. کمیته روابط خارجی سنای آمریکا نیز طی گزارشی پیروزی‌های ایران را نتیجه تجدید قوای نیروهای مسلح ایران، نیروی انسانی بیشتر ایران و هماهنگی بهتر بین ارتش منظم و پاسداران انقلابی ارزیابی می‌کند.

پیدایش وضعیت جدید در صحنه سیاسی - نظامی جنگ و تحولات احتمالی در منطقه، آمریکا را به شدت نگران کرد. با فتح خرمشهر در واقع آمریکا دچار همان مخاطراتی شد که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه با آن روبه‌رو گردید، با این تفاوت که با بی‌ثباتی داخل ایران و شروع جنگ، آمریکا امیدوار بود انقلاب در درون کشور مضمحل یا تعدیل شود، ولی پیروزی‌های پی‌درپی ایران و سرانجام فتح خرمشهر و احتمال سقوط رژیم عراق، دامنه نگرانی آمریکا را در سطح منطقه گسترش داد. زیرا این تحول اساسی و چشمگیر به منزله تهدید منافع آمریکا در منطقه ارزیابی شد. به همین دلیل واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا اعلام کرد پیروزی‌های ایران به نفع آمریکا نخواهد بود.

هیگ وزیر خارجه وقت آمریکا نیز اعلام کرد که آمریکا در برابر هرگونه تغییر اساسی در منطقه خلیج فارس که ناشی از جنگ ایران و عراق باشد، بی‌تفاوت نخواهد بود. کیسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا طی تحلیلی چالش‌های موجود در منطقه را به چهار دسته تقسیم کرد: «رادیکالیسم

شیعه، نهادگرایی اسلامی، انقلاب ایران و امپریالیسم شوروی.» وی در عین حال به ضرورت "توازن قوا در منطقه" تأکید کرد.

بازنگری استراتژی منطقه‌ای آمریکا در خلیج فارس که با آشکارشدن برتری نظامی ایران بر عراق پس از عملیات فتح‌المبین آغاز شده بود، آمریکا را ناچار به اتخاذ سه ابتکار دیپلماتیک کرد. هیگ وزیر خارجه آمریکا در این باره گفت:

اگر بخواهیم به یک نظم مسالمت‌آمیز بین‌المللی امیدی داشته باشیم، باید وقایع خاورمیانه را شکل دهیم و اکنون لحظه ورود آمریکا به منطقه است. آمریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، فعال کردن مذاکرات خودمختاری فلسطین و رفع تهدید از آغاز جنگ اقدام خواهد کرد. این ابتکارها به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هماهنگ خواهد بود.»

وی همچنین یادآور شد :

بیم آن می‌رود که درگیری ایران و عراق به کشورهای همسایه گسترش پیدا کرده موجب تغییرات گسترده و غیرقابل پیش‌بینی در توازن نیروهای منطقه بشود.»

بدین ترتیب امریکایی‌ها به دلیل نگرانی از سقوط رژیم عراق که حاصل اخطار آژانس‌های متعدد جاسوسی این کشور بود، کمک‌های حیاتی به بغداد را آغاز کردند. آمریکا برای رفع محدودیت‌های موجود نام عراق را از لیست کشورهای به اصطلاح تروریست خارج کرد و محدودیت فروش تسلیحات به عراق لغو شد و برای برقراری روابط دیپلماتیک

میان دو کشور توافقاتی به عمل آمد. مصر و کشورهای شورای همکاری برای کمک به عراق ترغیب و تشویق شدند.

کمک‌های اطلاعاتی و حمایت‌های سیاسی و تبلیغاتی امریکا از عراق به نحو چشمگیری افزایش یافت. مشاور کمیته روابط خارجی سنای امریکا در توضیح فروش تسلیحات امریکا به عراق در همان زمان گفت:

این عمل امریکا به منظور تنبیه ایران و بازکردن راهی برای خروج عراق از بن‌بست موجود می‌باشد و ایران در جنگ با عراق از برتری محسوسی برخوردار است و این واقعه ناخوشایندی برای امریکاست. امریکایی‌ها به منظور فراهم‌سازی زمینه‌های حمایت سیاسی و تبلیغاتی از عراق، این کشور را متقاعد کردند آمادگی خود را برای عقب‌نشینی از خاک ایران اعلام نماید. رژیم بعثی و صدام که پیش از این به لحاظ سیاسی و نظامی در موقعیت برتری قرار داشتند و از تجزیه ایران سخن می‌گفتند با پیدایش وضعیت جدید در جنگ و اوضاع جنوب، آمادگی خود را برای برقراری آتش‌بس اعلام کردند.

در اجلاس چهار روزه کنگره حزب بعث عراق، صدام با پذیرش مسئولیت شکست استعفا داد ولی مجدداً به اتفاق آرا به مقام دبیرکل حزب بعث انتخاب شد.

صدام در موقعیت جدید تغییرات نسبتاً گسترده‌ای را به وجود آورد؛ بدین شکل که اعضای شورای فرماندهی انقلاب را از ۱۷ تن به ۱۰ تن کاهش داد و در کابینه عراق ۸ تن از وزیران (از جمله وزیر نفت) سمت‌های خود را از دست دادند و ۱۰ وزیر جدید وارد کابینه عراق شدند. ۵۵ بسیاری از تحلیل‌گران تحولات داخلی عراق را نتیجه شکست‌های اخیر این کشور و با هدف از میان بردن "هرگونه انتقاد در

سطح بالا" و فراهم سازی تحکیم موقعیت صدام ۵۸ ارزیابی کردند. آمریکایی ها برای مهار نتایج ناشی از پیروزی های ایران علاوه بر اقدامات مذکور، سعی داشتند به هر نحو ممکن از ارائه امتیاز به ایران جلوگیری کنند تا جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت منطقه ای ظاهر نشود. در جهت این سیاست، سازمان ملل نیز با وجود برتری جمهوری اسلامی، شرایط ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و پرداخت غرامت به ایران را نپذیرفت و همچنان بر تقدم آتش بس به هر اقدام دیگری تأکید کرد. ایران در وضعیت جدید و با توجه به موقعیت برتر سیاسی و نظامی سه راه حل فراروی خود داشت:

۱- آغاز مذاکره سیاسی با رژیم عراق و قدرت های حامی وی که لازمه آن دادن امتیاز به ایران بود ولی سازمان ملل و قدرت های حاکم بر شورای امنیت، این اقدام را به منزله به رسمیت شناختن قدرت انقلاب ایران در منطقه خلیج فارس می دانستند، لذا با بی توجهی به درخواست های برحق ایران، عملاً درهای مذاکره را مسدود کردند زیرا تمام رژیم های ذی نفع در جنگ بر "ندادن امتیاز به ایران" به منظور جلوگیری از برتری این کشور، توافق داشتند.

۲- ترک مخاصمه بدون اتمام جنگ راه حل دیگری بود که فراروی ایران قرار داشت. در این صورت قوای نظامی ایران می بایست در حالت نه جنگ و نه صلح در مرزها مستقر باشند و این امر جز فرسایش قوای سیاسی و نظامی ایران نتیجه ای نداشت. روزنامه گاردین درباره این راه حل نوشت:

«توقف ایران در داخل خاک خود به گفته تحلیل گران نمی تواند ضامن آن باشد که صدام حسین به دادن امتیاز بیشتری تن در دهد. ضمن اینکه

نباید این احتمال را از نظر دور داشت که نیروهای عراقی پس از گذراندن یک دوره استراحت و بازسازی به تهاجم مجدد اقدام نکنند.»

۳- صلح شرافتمندانه و تضمین شده تنها راه حلی بود که در برابر ایران قرار داشت. "شرافتمندانه" به این معنا که حقوق ایران تأمین می‌شد و "تضمین شده" به معنای جلوگیری از جنگ مجدد بود. این راه حل با توجه به سیاست قدرت‌ها در جلوگیری از ارائه هرگونه امتیاز به ایران، سرآغاز دوره جدیدی از جنگ بود که به تصمیم‌گیری نیاز داشت. لذا جلسه شورای عالی دفاع در حضور امام خمینی برگزار شد و سرانجام مسئولان سیاسی و نظامی کشور راه حل سوم را هر چند با تأخیر برگزیدند.

از بُعد سیاسی در حالی که جمهوری اسلامی در موقعیت برتر قرار داشت و از ارائه هرگونه امتیاز مناسب به ایران از جمله محکوم کردن متجاوز خودداری می‌شد، آیا ایران راه حل دیگری جز آنچه برگزید، می‌توانست انتخاب کند؟ از نظر نظامی نیز نظامیان به عنوان متولیان اصلی صحنه جنگ بر این اعتقاد بودند که به لحاظ نظامی امکان پدافند با توقف روی خط مرزی وجود ندارد زیرا در اغلب نقاط خط مرزی هیچ گونه مانع طبیعی وجود نداشت. ضمن اینکه ایجاد استحکامات نیز یک سال به طول می‌انجامید و طی این مدت احتمال تجدید قوای دشمن و حمله مجدد وجود داشت. مهم‌تر از همه اینکه با تکیه بر اصل "تعقیب دشمن"، هرگونه توقف پس از فتح خرمشهر یک حرکت غیراصولی بود. امام خمینی پس از تردید (مخالفت) اولیه درباره تداوم جنگ در خاک عراق، با استماع دلایل نظامیان، به ادامه جنگ متقاعد شدند و حمایت‌های لازم را به عمل آوردند.

موقعیت برتر نظامی ایران و پیروزی‌های پی‌درپی، در ایجاد اعتماد لازم برای پیروزی بر عراق و تصمیم‌گیری برای تداوم جنگ در داخل خاک عراق تأثیر اساسی داشت. ورود به داخل خاک عراق از نظر نظامی نیز اجتناب‌ناپذیر بود و با هدف تأمین ساحل شرقی رودخانه اروند انجام گرفت. این اقدام حاصل نگرانی و در عین حال بی‌اعتمادی به سیاست‌های آمریکا و مجامع بین‌المللی بود. تنها راه‌حل این بود که قوای نظامی ایران با تکیه بر عوارض طبیعی و تهدید شهر بصره و در تیررس قراردادن منطقه عظیم نفتی رمیله و صفوان، عراق را وادار به تأمین خواسته‌های ایران کنند. بدین ترتیب در مرحله جدید جنگ، عملیات رمضان در چارچوب تجربیات و تاکتیک‌های پیشین طرح‌ریزی و در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۶۱ به اجرا گذاشته شد. در این مرحله تغییرات بسیاری در زمین منطقه و نحوه آرایش دشمن به وجود آمده بود. متقابلاً عدم آمادگی نیروهای خودی برای مواجهه با وضعیت جدید، سبب گردید نیروها با وجود موفقیت در شکستن مواضع و استحکامات دشمن، سرانجام به مواضع خود مراجعت نمایند.

نتیجه عملیات رمضان نشان‌داد که هیچ‌گونه آمادگی لازم در داخل عراق برای برپایی یک نهضت انقلابی به حمایت از انقلاب اسلامی ایران و مبارزه با رژیم بعثی عراق وجود ندارد و از نظر نظامی نیز وضعیت جدیدی فراوری ایران قرار دارد که دورنمای آن روشن نیست. سال دوم جنگ در وضعیتی پایان یافت که بیشتر مناطق اشغالی از لوث وجود متجاوزان پاک شده بود و ایران به منظور تأمین "صلح شرافت‌مندانه و تضمین شده" عملیات رمضان را طرح‌ریزی و اجرا کرد. مهم‌ترین سؤالی که در این مرحله وجود داشت این بود که:

«چه علل یا عواملی مانع از تبدیل پیروزی ایران در خرمشهر به یک پیروزی استراتژیک برای پایان بخشیدن به جنگ شد؟»^{۲۹}

^{۲۹} <http://wikiwar.blogfa.com> - دانشنامه جنگ ایران و عراق

پیام حضرت امام خمینی قدس سره الشریف به مناسبت عملیات
بیت المقدس و فتح خرمشهر
بسم الله الرحمن الرحيم

با تشکر از تلگرافاتی که در فتح خرمشهر به این جانب رسیده است،
سپاس بی حد بر خداوند قادر که کشور اسلامی و رزمندگان متعهد و
فداکار آن را مورد عنایت و حمایت خویش قرار داد و نصر بزرگ خود
را نصیب ما فرمود؛ و این جانب با یقین به آن که «مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ
اللَّهِ» از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح که دست قدرت حق از
آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفدا را از
چنگ گرگان آدمخوار که آلت هایی در دست ابرقدرتان خصوصاً
امریکای جهانخوارند، بیرون آورد و ندای «الله اکبر» را در خرمشهر عزیز
طنین انداز کرد و پرچم پرافتخار «لا اله الا الله» را بر فراز آن شهر خرم
که با دست پلید جنایتکاران غرب به خون کشیده شده و خونین شهر
نام گرفت، - به اهتزاز در آورد - تشکر می کنم و آنان فوق تشکر امثال
من هستند.

آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و برپا کننده ی عدل الهی در
سراسر گیتی روحی لثراب مقدمه الفدا می باشند. آنان به آرم «ما رمیتَ
اذ رمیتَ و لکنَّ اللهَ رمی» مفتخرند. مبارک باد و هزاران بار مبارک باد بر
شما عزیزان و نورچشمان اسلام این فتح و نصر عظیم که با توفیق الهی
و ضایعات کم و غنایم بی پایان و هزاران اسیر گمراه و مقتولین و آسیب
دیدگان بدبخت که با فریب و فشار صدام تکریتی این ابرجنایتکار دهر
به تباهی کشیده شدند، سرافرازانه برای اسلام و میهن عزیز افتخار ابدی
هدیه آوردید و مبارک باد بر فرماندهان قدرتمند که فرماندهان چنین
فداکارانی هستند که ستاره درخشنده ی پیروزی های آنان بر تارک تاریخ

تا نفخ صور نورافشانی خواهد کرد و مبارک باد بر ملت عظیم الشان ایران، این چنین فرزندان سلحشور جان بر کفی که نام آنان و کشورشان را جاویدان کردند و مبارک باد بر اسلام بزرگ این متابعانی که در دو جبهه ی جنگ با دشمنان باطنی و دشمن ظاهری پیروزمندانه و سرافراز امتحان خویش را دادند و برای اسلام سرافرازی آفریدند و هان ای فرزندان قرآن کریم و نیروهای ارتشی، سپاهی، بسیجی، ژاندارمری، شهربانی و کمیته ها و عشایر و نیروهای مردمی داوطلب و ملت عزیز، هشیار باشید که پیروزی هر چند عظیم و حیرت انگیز است، شما را از یاد خداوند که نصر و فتح در دست اوست غافل نکند و غرور فتح، شما را به خود جلب نکند که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسه ی شیطان به سراغ آدم می آید و برای اولاد آدم تباهی می آورد و من با آن که به همه ی شما اطمینان تعهد به اسلام دارم، از تذکری که برای مؤمنان نفع دارد باید غفلت نکنم، چنانچه از نصیحت به حکومت های همجوار و منطقه دریغ ندارم و آنان می دانند امروز با فتح خرمشهر مظلوم، دولت و ملت پیروزمند ما از موضع قدرت سخن می گویند و من به پیروی از آنان به شما اطمینان می دهم که اگر از اطاعت بی چون و چرای امریکا و بستگان آن دست بردارید و با ما به حکم اسلام و قرآن کریم رفتار کنید، از ما جز خیر و پشتیبانی نخواهید دید و شما بدانید آن قدر که ابرقدرت ها از صدام این نوکر چشم و گوش بسته پشتیبانی کردند، از شماها که قدرت های کوچک و حکومت های ضعیف هستید، پشتیبانی نمی کنند و شما عاقبت این جنایتکار و هم قطار جنایتکارش شاه مخلوع را به عیان دیده اید.

قدرت های بزرگ پیش از آن که از شما استفاده نمایند، از شما طرفداری نمی کنند و شماها را برای منافع خویش به هلاکت می کشند و من

نصیحت برادرانه به شما می‌کنم که کاری نکنید که قرآن کریم برای برخورد با شما تکلیف نماید و ما به حکم خدا با شما رفتار کنیم، و یقین بدانید که امثال حسنی مبارک مصری و حسین اردنی و دیگر هم جنایتکاران آنان برای شما نفعی ندارند و دین و دنیای شما را تباه می‌کنند و اگر با نشست‌های خود بخواهید «طرح کمپ دیوید» یا فهد را که مرده‌اند، زنده کنید - که ما خطر بزرگ برای کشورهای اسلامی خصوصاً حرمین شریفین می‌دانیم - اسلام به ما اجازه سکوت نمی‌دهد و این جانب در پیشگاه مقدس خداوند تکلیف الهی خود را ادا نمودم، اکنون دست تضرع و دعا به سوی خالق یکتا بلند کرده و برای قوای مسلح اسلام و فداکاران قرآن کریم و میهن عزیز ایران دعا می‌کنم و سلامت و سعادت و پیروزی آنان را خواستار هستم. سلام و درود بی‌پایان بر فرماندهان قوای مسلح و بر رزمندگان فداکار و بر ملت دلیر ایران عزیز و سرشار از شادی‌ها.

والسلام علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

سوم خرداد ماه ۱۳۶۱

آزادسازی خرمشهر از زبان مسئول اطلاعات ارتش عراق

سرلشکر ستاد وفیق السامرائی مسئول اطلاعات ارتش عراق که در سال ۱۹۹۷ از این کشور فرار کرده و به مخالفان صدام پیوسته بود در کتاب خاطرات خود به نام **ویرانی دروازه شرقی**، چگونگی آزاد سازی خرمشهر توسط رزمندگان قهرمان ایران و ناکامی ارتش بعث عراق در حفظ آن به عنوان مهمترین نقطه اشغالی را شرح داده است:

سومین مرحله جنگ طولانی‌ترین و شدیدترین و سخت‌ترین مراحل جنگ برای عراق بود،

اطلاعاتی درباره حرکت سریع نیروهای ایرانی از محور شرق میسان به طرف جنوب اهواز و آرایش گرفتن این نیروها به طور اساسی در شرق رود کارون به دست ما رسید. ما هم عملیات گشتی شناسائی و عکس برداری هوائی، با استفاده از هواپیمای میگ ۲۵ از ارتفاع ۲۱ کیلومتری را افزایش دادیم، تا از موشک‌های زمین به هوای ساخت آمریکا که دارای ۱۸ کیلومتر برد بودند، در امان باشند. سرعت این هواپیماها در چنین ارتفاعی بالغ بر دو هزار کیلومتر در ساعت است. و هواپیماهای ایرانی قادر به تعقیب آنها نبودند. ما هر روز نشانه‌ها و دلائلی دریافت می‌کردیم که نه تنها بیانگر انگیزه انجام حمله بود، بلکه ما را در تحلیل صحیح و دقیق از محورها و مراحل حمله و چگونگی گسترش نیروها راهنمایی می‌کرد. پیگیری تحرکات نیروهای منظم، یعنی ارتش ایران بسیار آسان بود، زیرا یگان‌ها معمولاً از روش مشخصی و تا آنجا که می‌شد از خودروهای نظامی برای جابجائی استفاده می‌کردند و از ابزار مخابراتی و همچنین فعالیت‌های ستادی به صورت گسترده‌ای بهره‌برداری به عمل می‌آوردند. این در حالی بود که دستیابی به اطلاعات

درباره تحرکات نیروهای سپاه پاسداران، با دشواری و پیچیدگی همراه بود. زیرا این نیروها در تحرکاتشان، از خودروهای غیر نظامی و دیگر وسائل استفاده می‌کردند؛ کار جابجائی با سرعت زیاد همراه بود و آمادگی یک لشکر سپاه با حدود پنج‌هزار رزمنده در جبهه، مستلزم اقدامات اداری زیادی نبود. ما در موارد متعددی از طریق نیروهای منظم (ارتش) و یا دیگر راه‌های ویژه خودمان، اطلاعاتی را بدست می‌آوردیم و به سرعت می‌توانستیم روش‌های سپاه در حمله‌ها و محورهای عملیاتی آنها را شناسائی کنیم.

بار دیگر تعداد زیادی از نیروهای زرهی و پیاده و توپخانه و موشکی ایران در منطقه شرق بصره (خرمشهر) آرایش پیدا کردند و ما کانون اصلی خطر را تشخیص دادیم. نیروهای ایرانی قصد داشتند دست به عملیات عبور اصلی از منطقه هالوب واقع در شمال دارخوین بزنند، و آنگاه حمله خود را به طرف شرق و به سوی محور جاده خرمشهر- اهواز گسترش دهند. سپس پیشروی خود را به طرف غرب یعنی به طرف مرزهای بین‌المللی ادامه دهند و محور دیگری در پشت نیروهای مدافع ما از شهر خرمشهر باز کنند.

در بازدیدهای مفصل از منطقه دریافتم که نیروهای ما در نقطه‌ای که قرار است ایرانی‌ها از آنجا عبور کنند، در فاصله پنج کیلومتری از کرانه غربی رود کارون دفاع می‌کنند. در گزارش‌هایم پیشنهاد کردم: «لازم است به یگان‌های مان دستور داده شود تا از کرانه غربی رود کارون، بصورت فاطع و کامل پاسداری به عمل آورند.» به دنبال ارائه این پیشنهاد، فرمانده کل نیروهای مسلح یک امریه مکتوب فوری که جمله فوق در آن نوشته شده بود، صادر کرد و خاطر نشان کرد که این دستور فرماندهی کل است. ولی فرماندهی سپاهی که مسئول اجرای این دستور بود، اقدامی

صورت نداد. دو طرف به آرایش نیرو و آماده سازی خود برای انجام نبردی که تا آن روز، بردگترین نبرد تاریخ بود، ادامه دادند.

گزارشهای مفصلی حاوی اطلاعات کافی راجع به آرایش، انگیزه‌ها، تحولات و آماده سازی نیروها در اختیار فرماندهی کل و فرماندهی سپاه-ها و نیروی هوایی قرار دادم. لشکر ۳ زرهی به فرماندهی سرتیپ ستاد جواد اسعد در جاده خرمشهر- اهواز استقرار پیدا کرد و به او دستور داده شد تا به محض آغاز عملیات عبور نیروهای ایرانی، سرپل‌های آنان را مورد حمله متقابل قرار دهد.

ما زمان و تاریخ آغاز حمله را ساعت ۱ بامداد روز ۳۰ آوریل ۱۹۸۲ پیش‌بینی کرده بودیم، یعنی ساعت ۱ بعد از نیمه شب، شامگاه ۳۰/۲۹ آوریل ۸۲، قرارگاه فرماندهی کل نیروهای مسلح که من نیز در مجموعه آن بودم به قرارگاه مقدم در دریه‌میمه واقع در غرب بصره منتقل شد. در آنجا با حضور فرمانده سپاه سوم، سرلشکر ستاد صلاح القاضی که از اهالی شهرستان عانه از استان الانبار بود، رئیس ستاد مشترک ارتش، سپهبد ستاد عبدالجبار خلیل شنیشل، مدیر اطلاعات نظامی و خود من جلسه‌ای تشکیل شد. در این جلسه مسائل حمله ایران مورد بحث قرار گرفت و صلاح القاضی به قرارگاه مقدم سپاه در کباشی واقع در شرق اروند رود و در وسط باغستانها نقل مکان کرد. ولی هیچ یک از ما نمی‌توانست به گمان خود راه دهد که او بنا به دستور صدام تیرباران خواهد شد.

پس از نیمه شب اطلاعات آشکاری دریافت کردیم که حاکی از آغاز عملیات عبور نیروهای نامنظم ایران(سپاه و بسیج) و ایجاد سرپل بود. خیلی زود این اطلاعات را در اختیار سپاه سوم قرار دادیم. ولی سرتیپ

ستاد جواد اسعد شیتنه فرمانده لشکر ۳ زرهی این اطلاعات را باور نکرد. مدیر اطلاعات نظامی شخصاً از طریق تلفن با او مذاکره کرد، ولی جواد اسعد پاسخ داد که چیزی مشاهده نکرده است. مدیر اطلاعات نظامی به او پاسخ داد که عملیات عبور ایرانی‌ها نه صد در صد بلکه یک میلیون در صد آغاز شده است. ولی فرمانده سپاه ۳ زرهی هیچ اقدامی نکرد تا اینکه ایرانی‌ها سر پل مستحکمی را ایجاد کردند و از آنجا حمله خود را به طرف مواضع مقدم این لشکر آغاز کردند. نیروهای خط مقدم این لشکر نیز بجای آنکه طرح از پیش تعیین شده را به اجرا بگذارند، اقدام به عقب نشینی کردند. جواد اسعد خیانت و یا تباہی نکرده بود، یک افسر ترسو هم نبود، ولی بدون داشتن دیده بان و یا شبکه ارتباطی خوب بر نظر شخصی خویش اصرار ورزید و دست به اقدام اشتباهی زد که قانوناً باید فرا خوانده می شد. به ویژه آنکه اقدام او موجب ایجاد یک شکاف خطرناک در دیواره دفاعی نیروهای ما گردید و. جنگ را در وضعیت سختی قرار داد.

این اقدام نادرست وضعیت جبهه را به نفع نیروهای ایرانی تغییر داد و ایران توانست تعدادی از لشکرهای سپاه پاسداران و نیروهای پیاده و نیروهای ویژه زرهی خود را که به دنبال نبردهای دزفول-شوش از روحیه خوبی برخوردار بودند، در منطقه مستقر نماید. شلیک فشرده موشک‌های لونا نیز نتوانست هیچ نتیجه‌ای به بار آورد. و نیروهای ایرانی خود را به سد خاکی ادامه که وظیفه دفاع از عقبه خرمشهر را به عهده داشت، رساندند. این سد خاکی به خط مقدم و خط‌دناک نیروهای عراقی تبدیل شد. نیروهای ما بطرف مرزهای شرقی بصره عقب نشینی کردند. مرحله بعدی حمله، عبور از سد خاکی ادامه بود تا شهر خرمشهر کاملاً

به محاصره بیفتند. در اینجا لازم بود که فرمانده کل نیروهای مسلح دست به اقدامی بزند، ولی او از این کار ناتوان بود.

روز ۶ می ۱۹۸۲ میلادی برای بازدید از سد ادامه رفتم، مشاهده کردم که سد دفاعی ما بسیار ضعیف است. چند زره پوش در دامنه پشت سد برای تأمین آتش مسلسل‌های سنگین مستقر شده بودند. بر فراز تعدادی از این زره‌پوشها رفتم و دیدم هیچ کنترل‌ری روی سد وجود ندارد و استحکامات و موانع ایجاد شده، مثل سیم‌های خاردار و میدان‌های مین بسیار ضعیف هستند. یگانهای ناهمگون و تلفیق نامنظمی از نیروها نیز برای دفاع از این منطقه مهم، آرایش یافته بودند.

به بصره بازگشتم و نامه‌ای با امضای مدیر اطلاعات نظامی، خطاب به فرماندهی کل نیروهای مسلح تنظیم کردم و در آن نسبت به ضعف نیروهای دفاع کننده از شهر خرمشهر هشدار دادم. مرا به قرارگاه شعبه حزب بعث در بصره فرا خواندند، در آنجا اعضای فرماندهی کل تشکیل جلسه داده بودند. فرمانده لشکر ۱۱ پیاده که وظیفه دفاع از اطراف خرمشهر را به عهده داشت، یعنی سرتیپ ستاد سعید محمد فتحی فرمانده فعلی گارد مرزی نیز به این جلسه فرا خوانده شده بود. بحث بین من و او درباره پایین بودن سطح استحکامات آغاز شد. او با نظر من مخالفت ورزید و گفت: استحکامات آنجا قوی و نفوذ ناپذیر است و سرهنگ دوم ستاد وفیق سامرای برای بازدید از مناطق این لشکر، باید از قرارگاه لشکر عبور می‌کرد. با وجود اینکه او از این جهت که از قرارگاه عبور نکرده بودم حق داشت، ولی در بحبوحه یک جنگ دشوار، رعایت قراردادهای در توان من نبود. مدیر اطلاعات نظامی در جمع فرماندهان چنین گفت: امیدوارم که نظر سرهنگ دوم ستاد وفیق سامرای درست نباشد.

چند روز بعد از این جلسه، در دفتر مدیر شبکه اطلاعات منطقه جنوبی در بصره، با رئیس ستاد مشترک ارتش و مدیر کل اطلاعات نظامی ملاقات نمودم.

رئیس ستاد مشترک ارتش از من خواست دیدگاه‌هایم را راجع به وضعیت دفاعی خرمشهر توضیح دهم. من گفتم: حتی نیم ساعت هم تاب مقاومت نداریم. زیرا وضعیت دفاعی ما آنجا ضعیف است. او از سخنان من آزرده خاطر شد و گفت: پس چه کار باید انجام دهیم؟ هنوز چند روزی نگذشته بود که همین دو نفر بار دیگر، صبح هنگام به همین محل آمدند و معلوم شد که سرتاسر شب گذشته را نخوابیده‌اند. شنیشل گفت: وفیق، چیزی نمانده بود که دیروز در پی حمله به دیواره دفاعی خرمشهر، همه چیز تمام شود. من گفتم: این حمله یک حرکت برای محک زدن بود، نه یک حمله واقعی!

ساعت ۱۰ شب ۲۴/۲۳ می ۱۹۸۲ در فضای باز حوالی سد ادامه مستقر شدم. این سد با آغاز حمله ایرانی‌ها، اساسی‌ترین خط دفاعی خرمشهر بود. شاهد تیراندازی‌های متقابل بودم. هنوز چیزی از شب نگذشته بود که تیراندازی‌ها قطع شد. یقین کردم که مقاومت مدافعان در هم شکسته است و نیروهای ایرانی دیواره دیواره دفاعی شد را در هم شکسته‌اند و تا رسیدن به اروندرود، به پیشروی خود ادامه می‌دهند. خرمشهر و اطراف آن و نیروهای دفاع کننده به محاصره افتادند. صدها نفر از افسران و سربازان مجبور شدند خود را به درون اروندرود بیفکنند. عرض این رودخانه بیش از ۶۰۰ متر بود. سربازان برای نجات از اسارت و رسیدن به کرانه دیگر، خود را به رودخانه انداختند و تعداد زیادی از آنها در مرکز رودخانه غرق شدند و به هلاکت رسیدند.

هنگامی که این خبر به صدام رسید، به لشکر ۷ پیاده به فرماندهی سرلشکر ستاد میسر ابراهیم الجبوری که در آن هنگام سرتیپ ستاد بود دستور داد محاصره شهر را در هم بشکند و نیروها را مستقر کند، و گر نه او اعضای ستاد لشکر، همگی اعدام خواهند شد. با توجه به موازنه قوای موجود و وضعیت روحی نیروها، این خواسته غیر ممکن بود.

لشکر ۷ در دستیابی به هرگونه پیشروی ناکام ماند و برای اولین بار صدام در اجرای حکم اعدام در صحنه جنگ تردید به خود راه داد و در اعدام فرمانده این لشکر، یعنی سرلشکر ستاد صالح القاضی، فرمانده لشکر ۳ زرهی، سرتیپ ستاد جواد اسعد شیتنه، سرتیپ نزار النقشبندی و سرهنگ عبدالهادی از تیپ ۴۱۲ پیاده درنگ نمود. این عملیات که ایران آن را بیت المقدس نام نهاد به پایان رسید و ایران، خرمشهر را که [امام] خمینی آن را خونین شهر یعنی شهر خون و صدام آن را خاکریز بصره می خواند، باز پس گرفت.^{۳۰}

^{۳۰} ویرانی دروازه شرقی، سرلشکر و فیک السامرائی، مترجم عدنان قارونی، صص ۹۲-۹۸

منابع و مأخذ
کتابها:

- ۱ - انصاری - مهدی، درودیان - محمد، نخعی - هادی، خرمشهر در جنگ طولانی، مرکز اسناد دفاع مقدس، چاپ سوم ۱۳۷۸
- ۲ - خلفی - یاسر، دو هزار سال تاریخ خرمشهر، از خارا کس تا برآمدن آلبوچاسب، انتشارات اثرآفرین، چاپ اول ۱۳۹۴
- ۳ - سامرائی - وفیق، ویرانی دروازه شرقی، مترجم عدنان قارونی، مرمر اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، چاپ هفتم ۱۳۹۳
- ۴ - سترانک - ویلیام تئودور، حکومت شیخ خزعل بن جابر و سرکوب شیخ - نشین خوزستان، مترجم صفاءالدین تبرائیان، مؤسسه تاریخ معاصر ایران، چاپ سوم ۱۳۸۵
- ۵ - صداوی - علیرضا، تاریخ بنی کعب و ماجرای شیخ خزعل، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آفرینه، چاپ اول ۱۳۷۹
- ۶ - فانی - کامران، جنگ‌های جهانی اول و دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷
- ۷ - قیم - عبدالنبی، فراز و فرود شیخ خزعل، انتشارات کتاب آمه، چاپ اول ۱۳۹۲
- ۸ - قیم - عبدالنبی، پانصد سال تاریخ خوزستان، نشر اختران، چاپ دوم ۱۳۹۳
- ۹ - گرانت واتسن، رابرت، تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸، ترجمه ع. وحید مازندرانی، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم ۱۳۵۶

۱۰- لسان الملک سپهر- محمد تقی، ناسخ التواریخ، به اهتمام جمشید کیانفر
انتشارات اساطیر، چاپ ۱۳۳۰

۱۱- مشیرالدوله- میرزا جعفر خان، تحقیقات سرحدیه (رساله سرحدیه)، نسخه
خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نشر اینترنتی

۱۲- هنت- کپتن، جنگ انگلیس و ایران در سال ۱۲۷۳ هجری قمری، مترجم
حسین سعادت نوری، خرداد ۱۳۲۷

۱۳- یکتا- حسین، روزشمار جنگ ایران و عراق- زمینه سازی، کتاب دوم-
بحران در خوزستان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم ۱۳۸۷

مجلات و روزنامه‌ها

۱- روزنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲۷، تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۵۸

۲- فصلنامه بررسی‌های نظامی شماره ۱۱- معاونت اطلاعات نیروی زمینی
سپاه

۳- ماهنامه راه‌نما، مطالعات بین‌المللی تروریسم، سال دوم، شماره هشتم،
شهریور ۱۳۹۱

۴- ماهنامه زمانه، شماره ۱۲، شهریور ۱۳۸۲

۵- هفته‌نامه بامشاد، شماره ۲، از ۲۳ تا ۳۰ تیر ۱۳۵۸

سایت‌ها و پایگاه‌های خبری

۱ - خبرگزاری فارس

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8904020545>

۲- دانشنامه جنگ ایران و عراق <http://wikiwar.blogfa.com>

۳ - پایگاه جامع تاریخ معاصر

<http://bcir.pchi.ir/show.php?page=contents&id=9783>

۴ - سامانه اطلاع‌رسانی پرتال امام خمینی (س)

www.imam-khomeini.ir/fa/ / صحیفه امام خمینی

۵ - سایت خبری - تحلیلی تابناک

<http://www.tabnak.ir/fa/news/246157>

۶ - همشهری آنلاین

<http://hamshahrionline.ir/details/209379>



مسابقه ۱۰۴

منبع سوالات کتاب " تاریخ خرمشهر " نویسنده : یاسر خلفی در ادامه سوالات
پس از تکمیل پاسخنامه از آن عکس (مورب نباشد) و یا اسکن گرفته
و فقط عکس پاسخنامه را به آدرس ذیل ارسال نمایید.

۱- کدامیک از شهیدان خرمشهر در جنگ های ایران و انگلیس به شهادت رسیده اند؟

- الف (سرتیب آقاجانی خان و حاج جابر خان
ب) غلامعلی بایندر و هریسچی و میلانیان
ج) محمدعلی جهان آرا
د) عبدالرضا موسوی

۲- کدامیک از شهدای خرمشهر مربوط به مقاومت ۳۴ روزه می باشد؟

- الف (سرتیب آقاجانی خان و حاج جابر خان
ب) غلامعلی بایندر و هریسچی و میلانیان
ج) محمدعلی جهان آرا
د) عبدالرضا موسوی

۳- کدام شهید خرمشهر مربوط به جنگ جهانی دوم می باشد؟

- الف (سرتیب آقاجانی خان و حاج جابر خان
ب) غلامعلی بایندر و هریسچی و میلانیان
ج) محمدعلی جهان آرا
د) عبدالرضا موسوی

۴- کدام شهید خرمشهر در عملیات فتح خرمشهر به شهادت رسیده است؟

- الف (سرتیب آقاجانی خان و حاج جابر خان
ب) غلامعلی بایندر و هریسچی و میلانیان
ج) محمدعلی جهان آرا
د) عبدالرضا موسوی

۵- اولین حمله در طول تاریخ به خاک خرمشهر توسط چه کسی انجام گرفت؟

- الف (داوود پاشا والی بغداد
ب) حاکم بصره
ج) حسین خلف
د) خزعل کویتی

۶- بنیانگذاران حزب بعث عراق در سال ۱۹۴۷ کدام گزینه می باشد؟

- الف) میشل عفلق - محی الدین کعبی
ب) صلاح بيطار - محی الدین کعبی
ج) میشل عفلق - صلاح بيطار
د) گزینه ۱ و ۲

۷- پدر معنوی صدام حسین کدام گزینه می باشد؟

- الف) میشل عفلق
ب) صلاح بيطار
ج) جمال عبدالناصر
د) گزینه ۱ و ۲

۸- دخالت موج عربی و تحریک اعراب در امور خوزستان از چه سالی شروع شد؟

- الف (سال ۱۹۶۲ م
ب) سال ۱۹۶۳ م
ج) سال ۱۳۴۰ ش
د) سال ۱۳۵۸ ش

۹- برخورد حکومت وقت ایران با اخلاگران خوزستان در خرداد ۱۳۴۳ چگونه بود؟

الف (تیرباران شورشیان ب) عفو شورشیان ج) تبعید شورشیان د) بازداشت شورشیان

۱۰- تاریخ خروج صدام حسین از قرارداد الجزایر چه سالی است ؟

الف) خرداد ۱۳۵۸ ب) خرداد ۱۳۵۹ ج) ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ د) ۲۶ شهریور ۱۳۵۹

۱۱- اقدامات عراق در فاصله انقلاب ایران تا شروع جنگ، جهت فریب افکار عمومی کدامیک از گزینه های زیر بود؟

الف) برگزاری دوره های متعدد نظامی ب) خرید هواپیما و زره پوش
ج) ایجاد خصومت بین عرب و فارس د) احداث فرودگاه و تهیه نشریات نظامی

۱۲- صدام در برابر کدام کشور زیر موضع خصمانه گرفت ؟

الف) عربستان - اردن - لیبی
ب) عربستان - لیبی - سوریه - الجزایر - یمن
ج) اردن - لیبی - سوریه - الجزایر - یمن
د) هیچکدام

۱۳- صدام بعنوان مقدمه اصلی ورود به جنگ چه اقدامی انجام داد؟

الف) اعلام لغو " قرارداد الجزایر" ب) اعلام منشور " اقدام قوی "
ج) اعدام "امام موسی صدر و خواهر مکرمه اش" د) سوء استفاده از "ترور طارق عزیز"

۱۴- عراق از چه طریقی اطلاعات نظامی ایران را بدست می آورد ؟

الف) آمریکا ب) رژیم فهد ج) ساواک د) گزینه ۱ و ۲

۱۵- به چه دلیل صدام جنگ ایران و عراق را از خرداد ۱۳۵۸ به شهریور ۱۳۵۹ تأخیر انداخت ؟

الف) ابهام اطلاعاتی از نیروی نظامی ایران ب) ابهام اطلاعاتی از نیروی هوایی ایران
ج) ابهام اطلاعاتی از نیروی نفوذی در ایران د) ابهام اطلاعاتی از پاسگاه های مرزی ایران

۱۶- تاریخ خبر رسانی صدام حسین به دنیا، از آغاز درگیری و مناشقه با ایران چه سالی است ؟

الف) ۳۰ شهریور ۱۳۵۹ ب) ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ ج) ۱ مهر ۱۳۵۹ د) ۲۸ شهریور ۱۳۵۹

۱۷- مرز ایران و عراق چند کیلومتر است؟

الف) ۱۶۰۹ ب) ۱۳۵۹ ج) ۱۹۰۶ د) ۱۵۳۹

۱۸- در دوران جنگ تحمیلی چند کیلومتر از خاک ایران تصرف شد ؟

الف) ۵۴۰۰ ب) ۵۴۰۰ ج) ۴۸۲۲ د) ۲۲۴۸

۱۹- ورود عراق به خاک خرمشهر چه تاریخی و روز چندم جنگ بود ؟

الف) روز هفتم ۱۳۵۹/۰۷/۰۶ ب) روز سوم ۱۳۵۹/۰۷/۰۲
ج) روز چهارم ۱۳۵۹/۰۷/۰۳ د) روز ششم ۱۳۵۹/۰۷/۰۵

۲۰- مدافعان خرمشهر چند روز از سقوط جلوگیری کردند و این امر مصادف با روز چندم جنگ بود ؟

- الف (روز سی و هفتم ۱۳۵۹/۰۸/۰۶)
ب) روز سی و سوم ۱۳۵۹/۰۸/۰۲
ج) روز سی و چهارم ۱۳۵۹/۰۸/۰۳
د) روز سی و ششم ۱۳۵۹/۰۸/۰۵

۲۱- نام اولین عملیات پدافندی ایران علیه عراق چه بود ؟

- الف) سلمان (ب) مقداد (ج) ابوذر (د) مالک اشتر

۲۲- نام عملیات فتح خرمشهر چیست و دارای چند مرحله بود؟

- الف (بیت المقدس - چهار مرحله
ب) بیت المقدس - سه مرحله
ج) فتح المبین - چهار مرحله
د) فتح المبین - سه مرحله

۲۳- نام دوتن از روحانیونی که در کنار فرماندهان در زمان شروع عملیات، حضور داشتند. چه بود؟

- الف (آیت ... صدوقی - آیت ... مشکینی
ب) آیت ... اراکی - آیت ... مشکینی
ج) آیت ... گلپایگانی - آیت ... مشکینی
د) آیت ... صدوقی - آیت ... اراکی

۲۴- تاریخ مرحله اول عملیات آزاد سازی خرمشهر چه سالی است ؟

- الف) ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ (ب) ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ (ج) ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ (د) ۳ خرداد ۱۳۶۱

۲۵- اشغال خرمشهر چند روز طول کشید؟

- الف) ۵۸۸ (۱۹ ماه) (ب) ۵۸۸ (۲۰ ماه) (ج) ۵۷۸ (۲۰ ماه) (د) ۵۷۸ (۱۹ ماه)

۲۶- تلفات دشمن در عملیات آزاد سازی خرمشهر و تعداد اسرا چند تن بود (به ترتیب)؟

- الف (۱۶ هزار - ۱۹ هزار (ب) ۹ هزار - ۶ هزار (ج) ۱۹ هزار - ۱۶ هزار (د) ۶ هزار - ۹ هزار

۲۷- نتیجه فتح خرمشهر از دیدگاه واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا کدامیک از موارد زیر می باشد؟

- الف (به نفع آمریکا نبودن پیروزی های ایران
ب) بی تفاوتی آمریکا به پیروزی های ایران
ج) رشد جناح های لیبرال و چپی در ایران
د) ناتوانی ایران برای دفاع از مواضع خود

۲۸- بعد از فتح خرمشهر از افراد زیر چه کسی بر " توازن قدرت قوا در منطقه " تأکید کرد ؟

- الف) دویچه سایتونگ (ب) لومند (ج) کسینجر (د) هیگ

۲۹- نتیجه عملیات رمضان کدامیک از موارد زیر می باشد و در چه تاریخی اجرا شد ؟

- الف) نشانگر تبلیغ غیر اسلامی بودن انقلاب ایران در عراق - ۲۳ خرداد ۱۳۶۱
ب) نشانگر عدم آمادگی لازم در عراق - ۲۳ خرداد ۱۳۶۱
ج) نشانگر تبلیغ غیر اسلامی بودن انقلاب ایران در عراق - ۲۳ تیر ۱۳۶۱
د) نشانگر عدم آمادگی لازم در عراق - ۲۳ تیر ۱۳۶۱

۳۰- نتیجه فتح خرمشهر کدامیک از گزینه های زیر بود؟

- الف) تبدیل به نماد و مظهر مقاومت سرسختانه
ب) بالندگی سپاه و تثبیت موقعیت
ج) موجب انفعال ارتش عراق
د) گزینه ۱ و ۲ و ۳